

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران اسال سیزدهم، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷-۹۸

بازاندیشی در معنای فرزند و دلالت‌های آن در زندگی: رهیافت کیفی در زنان متاهل بی فرزند ساکن شهر تهران

فریده خلیج‌آبادی فراهانی^۱، فاطمه کیانی علی‌آبادی^۲

چکیده

تحقیق حاضر، با هدف واکاوی معنای فرزند و نقش آن در فرزندآوری از دیدگاه زنان بی‌فرزند ساکن شهر تهران انجام شد. با استفاده از روش کیفی با رویکرد تفسیری بنیادی، ۱۸ مصاحبه عمیق با زنان بدون فرزند که حداقل ۵ سال از ازدواج آن‌ها گذشته و به‌طور ارادی بارور نشده‌اند، انجام شد. این زنان به روش هدفمند در تابستان ۱۳۹۶ نمونه‌گیری شده و داده‌های کیفی با استفاده از تحلیل محتوایی موضوعی با رویکرد استقرایی تحلیل شدند. مقوله اصلی عبارت است از: "فرزند تلفیقی از تمایل غریزی و ذاتی به‌همراه نگرانی و ابهام است که با رشد عقلانیت در فرزندآوری ارادی و برنامه‌ریزی شده، بازاندیشی در نقش فرزند بر کیفیت رابطه زناشویی و حمایت سالمندی همراه بوده و مفهومی دینامیک بوده که با گذر زمان (چه در گذر نسلی، چه در دوره زندگی)، متحول می‌شود". علی‌رغم ارزش ذاتی فرزند، به علت رشد عقلانیت، زنان به‌دنبال شرایطی هستند که تصمیم فرزندآوری را

۱ دانشیار گروه جمعیت و سلامت، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت، پست الکترونیکی: farideh.farahani@psri.ac.ir faridehfarahani2@gmail.com

۲ کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، پست الکترونیکی: fatemehkianialiabadi@yahoo.com

با کنترل شرایط اتخاذ کرده، قبل از فرزندآوری از کیفیت رابطه زناشویی اطمینان حاصل کرده و با داشتن سالمندی فعال و سالم، به دنبال تعدیل انتظارات خود از فرزند در سالمندی هستند. این معانی برای فرزند و کارکردهای آن در زندگی در تفسیر تغییرات رفتار فرزندآوری نسل‌های حاضر کاربرد خواهد داشت

واژگان کلیدی: معنای فرزند، رفتار فرزندآوری، مطالعه کیفی، زنان، شهر تهران

مقدمه و بیان مساله

باروری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تاثیرگذار بر رشد و تغییرات جمعیتی است. به موازات کاهش باروری در سایر کشورها، در کشور ایران نیز به‌ویژه در سه دهه‌ی گذشته، شاهد کاهش چشم‌گیری در باروری بوده‌ایم. به طوری که میزان باروری کل از ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷، برای هر زن به سطح جانشینی (۲/۱ فرزند) در سال ۱۳۷۹ رسید و در سال ۱۳۸۵، به زیر سطح جانشینی (۱/۹ فرزند) کاهش یافت (عباسی شوازی^۱، ۲۰۰۱). باروری زیر سطح جانشینی به‌خصوص در بسیاری از کلان‌شهرهای ایران، نگرانی‌هایی را در مورد آثار بلندمدت آن همچون کاهش جمعیت فعال و مولد، سالخوردگی جمعیت و مسائل تامین اجتماعی حاصل از به هم خوردن نسبت سنی ایجاد کرده است. تحقیقی کمی در بین زنان سنین باروری در شیراز نشان داد که هرچه از نگاه افراد، فواید فرزند در برابر هزینه‌های آن بیشتر باشد، باروری بیشتری را تجربه می‌کنند و بالعکس. همچنین ارزش بالای فرزند از جنبه مذهبی را منعکس نمود، به طوری که بیشترین میانگین نمره نگرشی مربوط به گوینه "فرزند نعمت الهی است" بوده است (رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲). دیدگاه ارزشی سنتی و مذهبی فرزندآوری لازم است در بستر تغییرات باروری در چهار دهه گذشته تحلیل گردد. گسترش آگاهی نسبت به روش‌های پیشگیری از بارداری و دسترسی به آنها، منجر به افزایش شیوع استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری در سال‌های اخیر شده است (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۸)، بنابراین، به نظر می‌رسد، فرزندآوری به یک مقوله ارادی و قابل کنترل و برنامه‌ریزی تبدیل شده

است. در چنین بستر تصمیم‌گیری ارادی برای فرزندآوری، معنا و کارکرد فرزند در زندگی از نگاه زنان و مردان نسل حاضر می‌تواند عاملی موثر در تصمیمات باروری خانواده‌ها در عصر کنونی باشد. لذا کاهش باروری در سطح کلان می‌تواند معرف تغییر در نگرش زنان و مردان در سطح خرد نسبت به فرزند و معنای فرزندآوری از نگاه آنان باشد. این تغییر می‌تواند مربوط به تغییر نگرش افراد نسبت به فواید و هزینه‌های فرزند در شرایط کنونی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

شناخت و فهم دلایل و زمینه‌های تحولات جمعیتی، نیازمند شناخت عمیق انگیزه‌ها و باورهای مرتبط با رفتار باروری است. باروری در سطح کلان، در حقیقت برآیندی از مجموعه تجارب سطح فردی در سطح خرد است و کاهش باروری در سطح کلان، می‌تواند نشانگر کاهش میل به فرزندآوری و یا کاهش تصمیم به فرزندآوری علی‌رغم میل به فرزندآوری باشد، پدیده‌ای که از آن به کم‌فرزندی یاد می‌شود و نیازمند بررسی دقیق است (آقایاری هیر و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع فهم و تفسیر مردم از جهان اجتماعی پیرامون خود، وقایع و شرایط و نیروهای موجود در آن و پیوند آن با درک از فرزند و تمایل به فرزندآوری دارای اهمیت بوده تا به شناخت دلایل و زمینه‌های کاهش باروری در سطح کلان پی ببریم.

در توضیح رفتارهای باروری، تاثیر نسبی متغیرهای اقتصادی در برابر متغیرهای فرهنگی یک اختلاف نظر طولانی مدت در مبانی نظری جمعیت‌شناسی است. هرچند فهم تغییرات باروری، در مورد این موضوع نیست که آیا اقتصاد نیروی کلیدی محرک تغییرات باروری است یا تغییرات نگرشی و ایده‌ای و معنوی است که هدایت‌کننده تغییرات رفتار باروری است، بلکه سوال مهم این است که چطور عوامل اقتصادی و ایده‌ای در انتخاب‌های باروری افراد نقش دارند. هنجارها و ایده‌ها در مورد یک پدیده در یک بستر اجتماعی وسیع‌تر شکل می‌گیرند، مانند شبکه دوستان، روابط نسلی و بحث‌های رسانه‌ای (الینگساثر، جنسن و لی^۱، ۲۰۱۴). این مطالعه به دنبال واکاوی معنای فرزند از نگاه زنانی است که حداقل ۵ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته و به‌طور ارادی از آوردن فرزند خودداری کرده‌اند، تا بتواند ارتباط معنا و کارکردهای فرزند را در رفتار

1 Ellingsaeter, Jensen, Lie

کم‌فرزندی شناسایی کند. نظر به اینکه برخی باورها در مورد فرزند و کارکردهای آن در شرایط اجتماعی فرهنگی و اقتصادی گذشته وجود داشته، با تغییرات و تحولات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، طی دهه‌های اخیر، انتظار می‌رود معنایی که افراد به فرزند منتسب کرده و همچنین کارکردهایی که فرزند برای زندگی‌شان دارد، دستخوش تغییراتی شده است که زمینه‌ساز رفتار باروری آنها شده است.

در این مطالعه ما به دنبال این هستیم که تفاسیر زنان را در مورد فرزند و کارکرد آن در زندگی و نقش آن در تصمیم‌گیری فرزندآوری کنکاش کنیم. چارچوب مطالعه مبتنی بر بستر اجتماعی تهران بوده و رویکرد کیفی تفسیری بنیادی است. سوال‌های مهم این پژوهش عبارتند از: "فرزند برای زنانی که حداقل ۵ سال از ازدواج‌شان گذشته و تاکنون به‌طور ارادی دارای فرزند نیستند، چه معنایی دارد؟ چگونه کارکردهای فرزند برای این زنان متحول شده است؟ این تحولات چه نقشی در تصمیم‌گیری فرزندآوری آنها دارد؟"

مروری بر پیشینه‌ی تجربی

با بررسی پیشینه تجربی، مطالعاتی کمی با تمرکز بر ارزش فرزند، در بین زنان سنین ۴۹-۱۵ انجام شده است (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱، رازقی نصرآباد و سرایی، ۱۳۹۳، رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲). مطالعه عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۸۴) درباره نگرش زنان در مورد ارزش فرزند و رفتار باروری در چهار استان نشان داد که زنان به هزینه‌های روحی و روانی و حتی هزینه فرصت فرزند آگاهی داشته و معتقد هستند که با فرزند کمتر، به علایق خود و تربیت بهتر فرزند بهتر خواهند پرداخت. زنان آگاهانه‌تر در مورد تعداد فرزند خود تصمیم می‌گیرند و نگرش‌های آن‌ها از خرده‌فرهنگ‌های سنتی و قومی کمتر متأثر می‌گردد. محمودیان و پوررحیم (۱۳۸۱) نیز در پیمایشی نشان دادند که با افزایش سن ازدواج، تحصیلات و درآمد خانواده، فواید ناشی از فرزند کاهش یافته و گرایش به تامین رفاه مادی و کیفیت زندگی فرزند، هزینه‌های ناشی از داشتن فرزند را افزایش می‌دهد.

برخی مطالعات کیفی نیز با هدف کشف عدم تمایل به فرزندآوری، زمینه‌های کم‌فرزندی، و الگوی تصمیم‌گیری فرزند در بین زنان و مردان شهرهای مختلف غیر از تهران انجام شده است

(محمودیان محمدپور، رضایی، ۱۳۸۸، حمیدی‌فر، کنعانی، عبادلهی، ۱۳۹۶، کبودی و همکاران، ۱۳۹۲). مطالعه‌ی کیفی حمیدی فر، کنعانی و عبادلهی (۱۳۹۶) در شهر رشت، نشان داد که افراد داشتن یا نداشتن فرزند را به مثابه انتخابی می‌دانند که می‌تواند به خاطر انتخاب‌های دیگر به تعویق افتاده یا سرکوب شود. با اینحال، بین دو جنس از نظر گرایش به بی‌فرزندگی تفاوت وجود دارد. به‌طوری‌که زنان، مادری را برای شکل‌گیری هویت خود مهم تلقی کرده، اما مردان چنین نظری درباره‌ی پدرشدن ندارند. گرچه نمونه این مطالعه، مشابه با نمونه مطالعه حاضر بوده، ولی هر دوی زنان و مردان را در نظر گرفته و در بستر اجتماعی متفاوت از مطالعه حاضر انجام شده است.

همچنین محمودیان، محمدپور و رضایی (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای کیفی دیگر به واکاوی زمینه‌های کم‌فرزندگی در کردستان، شهر سقز پرداختند. با انجام ۵۳ مصاحبه عمیق با زنان و مردان متأهل و مجرد سنین مختلف، مقولات زیر را بعنوان عوامل زمینه ساز کم‌فرزندگی نشان دادند: فضای گفتمانی کم‌فرزندگی، چالش مدیریتی، توانمندی/پیشرفت، خودحمایتی زنان، تجربه نسلی، فضای مخاطره‌آمیز، کم‌فرزندگی بازاندیشانه و میل به خودسازی مثبت. در مطالعه‌ی کیفی دیگری توسط خلیج‌آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۵) با هدف کشف زمینه‌های تک‌فرزندگی بعنوان نشانه‌هایی از باروری پایین در سطح کلان، نشان داده شد که رفتار تک‌فرزندگی نوعی راهکار برای ایجاد تعادل بین شرایط فردی، زناشویی، خانوادگی و محیطی است.

مطالعه کبودی و همکاران (۱۳۹۱) با هدف کشف الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری با رویکرد گراند تئوری، نشان داد که "نیاز درک شده به فرزندآوری"، درون‌مایه اصلی تصمیم فرزندآوری است. این به معنای تمایل قلبی افراد به داشتن فرزند نیست بلکه تصور فرد به کاهش بخشی از نیازهای درک شده او با داشتن فرزند است. حسینی و همکاران (۱۳۹۳) نیز کنش فرزندآوری و معنای آن در زوج‌های عرب در شهر اهواز را در مطالعه‌ای کیفی با رویکرد تئوری زمینه‌ای واکاوی کردند. در این مطالعه سه نوع رویکرد معنایی معرفی شد: ۱. کنش التیام‌بخش - ترمیمی، ۲. کنش آینده‌نگرانه-اندیشمندانه، ۳. کنش محدودکننده - امنیتی. برخی مطالعات دیگر، تنها متمرکز بر زنان و با هدف کشف زمینه‌های کم‌فرزندگی انجام شدند. بعنوان مثال آقایی و همکاران (۱۳۹۵) در تبریز با هدف کشف پدیده کم‌فرزندگی در میان زنان شهر تبریز، یک مطالعه کیفی با رویکرد تئوری زمینه‌ای انجام داده و نشان دادند که مقوله‌ی هسته‌ی

عبارت است از "فرزندآوری به مثابه خطر". در این مطالعه پدیده کم‌فرزندگی با استفاده از نظام معنایی مبتنی بر مخاطره در چهار بعد "زیبایی، سلامتی، اقتصادی و قدرت" گزارش شده است. علی‌رغم اینکه این مطالعه نگاه جامعی به موضوع کم‌فرزندگی داشته است، ولی نمونه مورد بررسی زنانی بوده‌اند که دارای تعداد متنوعی فرزند بوده، در حالیکه در مطالعه حاضر، زنانی است که حداقل ۵ سال از ازدواج آن‌ها گذشته است و به‌طور ارادی فرزنددار نشده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لذا از این جهت با مطالعه آقاباری متفاوت بوده و از نظر بستر نیز مطالعه حاضر در زنان ساکن شهر تهران انجام شده است.

بهبودی‌گندوانی و همکاران (۲۰۱۵) نیز با هدف کشف دیدگاه‌های زنان در تهران در مورد تاخیر در فرزندآوری، یا یک مطالعه کیفی در بین ۲۳ زن ۳۰ سال به بالای بدون فرزند و یا باردار فرزند اول، نشان دادند که تمایل شخصی، باور ادراکی تعویق فرزندآوری و حمایت اجتماعی، زمینه‌های تاخیر فرزندآوری را فراهم می‌سازند (بهبودی‌گندوانی و همکاران، ۲۰۱۵). مطالعه‌ای دیگر نیز با هدف بررسی زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تاخیر در آن در زنان مشهد توسط رضوی زاده، غفاریان و اخلاقی (۱۳۹۴) به روش کیفی انجام شد. این مطالعه نشان داد که دغدغه‌های فرزندمحور (به‌ویژه تربیتی) و دغدغه‌های والد‌محور (اقتصادی، رفاهی، و محدودیت‌زایی) موجبات کم‌فرزندگی و تاخیر در فرزندآوری را فراهم می‌آورند.

مطالعه‌ی کریمی، عمانی سامانی و حسینی‌نیا (۱۳۹۵) بر روی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز درمان ناباروری به واکاوی معنای فرزند انجام گرفته است. اگر چه مطالعه مورد اشاره، به‌دنبال کشف معنای فرزند و کارکردهای آن در جامعه و فرهنگ ایرانی بود، ولی نمونه مورد بررسی زوج‌های نابارور در جستجوی درمان و همچنین افراد نابارور ارادی بودند که با رویکرد گراند تئوری بررسی شده بودند. مهمترین یافته‌ها، حاکی از آن است که ایران یک جامعه فرزندخواه بوده و افراد نابارور یا افرادی که به هر دلیلی فرزند ندارند به شدت تحت فشار از سوی جامعه هستند. این مساله باعث می‌شود تا بسیاری از زوج‌های تازه ازدواج کرده تلاش کنند تا در پی کسب تأیید اجتماعی مثل بقیه شوند. کارکرد کودک بعنوان ۱. معنای زندگی، ۲. چیزی برای پیوند با زندگی و توسعه فردی، ۳. انسجام بخش روایت خود در پیوند با دیگری.

گرچه رشد مهمی در انجام مطالعات کیفی در سال‌های اخیر در حوزه فرزندآوری، ارزش فرزند و زمینه‌های رفتار باروری پایین دیده شده است، ولی این مطالعات از نظر مبانی نظری، نمونه مورد بررسی، بستر انجام مطالعه و هدف و نوع رویکرد کیفی با مطالعه حاضر تفاوت‌های مهمی دارند. یکی از نکات متمایزکننده مطالعه حاضر با مطالعات کیفی پیشین، تمرکز مطالعه حاضر بر معنای فرزند و همچنین ارتباط آن با درک افراد از کارکردهای آن در زندگی با استفاده از رویکردهای نظری جمعیت‌شناسی مانند "ارزش فرزند فریدمن و نظریه لیبنشتاین" است. این مطالعه با هدف پر کردن خلا اطلاعاتی فوق با استفاده از روش کیفی و با تمرکز بر تفاسیر زنان از فرزند و معنای آن و نقش آن در تصمیم باروری انجام شده است.

مبانی نظری و مفهومی پژوهش

این مطالعه‌ی کیفی با رویکرد استقرایی^۱ انجام شده است. دو نظریه ارزش کودکان فریدمن (۱۹۹۴) و لیبنشتاین (۱۹۷۷) مبانی نظری هدایت‌کننده سوالات این تحقیق است. نظریه ارزش کودکان توسط فریدمن (۱۹۹۴) با مطرح کردن دو اصل کاهش عدم اطمینان و افزایش انسجام زناشویی، معتقد است که بچه‌دار شدن که از علایق اولیه افراد است، یکی از منابع کاهش عدم اطمینان و در کنار منابع دیگری همچون مشاغل دائمی می‌باشد. بنابراین، بیشترین انگیزه‌های پدر و مادر شدن در میان کسانی وجود دارد که به دلایل مختلفی با عدم اطمینان بیشتری روبرو می‌باشند. استدلال این نظریه پیرامون ارزش کودکان برای کاهش عدم اطمینان تنها در مورد جوامع توسعه‌یافته که کودکان هزینه‌های اقتصادی عمده‌ای بر دوش والدین می‌گذارند، به کار گرفته شده است. اما کاربرد این استدلال در جوامع کمتر توسعه‌یافته کمی دشوار است (فریدمن، ۱۹۹۴).

همچنین نظریه‌ی لیبنشتاین به عنوان رویکرد اقتصادی و اجتماعی بر باروری شناخته می‌شود، که عوامل تعیین‌کننده و تاثیرگذار بر شمار مطلوب تولدها در هر خانواده را تبیین می‌نماید. بر اساس این نظریه، تعداد فرزندان ایده‌آل، بر اساس محاسبه‌ی توازن بین رضایتمندی‌ها با منافع حاصل از یک تولد اضافی در مقابل هزینه اقتصادی و روانشناختی آن

1 Inductive

2 Freedman, D.

تعیین می‌شود. بر اساس این نظریه، فرزندان می‌توانند در سه زمینه منشاء سود و منفعت برای والدین خود باشند: ۱. منبع لذت بردن فرزند برای والدین، ۲. قلمداد کردن فرزند به عنوان یک نیروی کار، ۳. تامین و نگهداری والدین در سنین کهولت توسط فرزندان (لینشتاین^۱، ۱۹۷۷). اساس سوالات تحقیق حاضر بر مبنای این نظریه‌ها بوده تا به فهم معنای فرزند از نظر کارکردهای عاطفی، انسجام زندگی زناشویی و حمایت سالمندی از نگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق، نایل شویم.

علی‌رغم رویکرد استقرایی مطالعه، محورهایی بر اساس نظریه‌های قبلی که مبنایی برای سوالات مصاحبه عمیق باشد، در این مطالعه مشخص گردید، ولی محقق در زمان تحلیل، کاملاً نسبت به ظهور مضامین جدید پذیرا بوده و خود را محدود به گزاره‌های مبتنی بر نظریه از پیش تعیین شده نکرد. با توجه به دو نظریه مذکور، دو باور کارکردی فرزند که با معنای فرزند آمیخته بوده و به‌طور سنتی با تمایل به باروری مرتبط بوده است، باورهایی مبنی بر "نقش فرزند در حمایت سالمندی" و "نقش فرزند در تحکیم بنیان خانواده" است. سوال‌ها در مصاحبه عمیق حول معنای فرزند از نظر هزینه‌ها و منافع اقتصادی و غیراقتصادی و بر اساس نظریه‌های بالا حول نقش فرزند در حمایت سالمندی و اهمیت فرزند برای تحکیم خانواده بوده است.

روش تحقیق

با توجه به هدف تحقیق، رویکرد کیفی که یک رویکرد طبیعت‌گرایانه است، برای این پژوهش انتخاب شد. در این رویکرد، درک پدیده‌ی مورد مطالعه در زمینه و محیط جهان واقعی موردنظر است. جایی که پژوهشگر در پی دستکاری پدیده موردنظر خود نیست (پاتن^۲، ۲۰۰۱). در این رویکرد، محقق با ورود به میدان، با غوطه‌ور شدن در داده‌ها، به کشف معانی و تفاسیر افراد می‌پردازد. این رویکرد تلاش می‌کند تحلیلی مبتنی بر بافت، بستر و وضعیت ارائه دهد (محمدپور، ۱۳۸۹).

معنا زمانی شکل می‌گیرد که افراد با دنیای پیرامون خود مواجه می‌شوند و در تعامل آن‌ها با دیگران ایجاد می‌شود. این امر بر این مهم دلالت دارد که معنا عمیقاً در فرهنگ ریشه دارد. با

1 Leibenstein, H.

2 Patton

حساس بودن به فرهنگ، باید تنوعی که ما در آن زندگی می‌کنیم، مقبول و مورد پذیرش باشد و به این تنوع‌ها توجه جدی شود. ساخت معانی نه تنها صرفاً در زمینه فرآیند روانی فردی که مرتبط با تجربه حسی است، بلکه در تعامل خاص بین دو نفر در یک بستر فرهنگی خاص شکل می‌گیرد و با استفاده از زبان، منتقل می‌شود. نقش زبان بعنوان ابزاری بیانی است تا صرفاً پدیده زبانی (کاسیر^۱، ۱۹۵۱)، همچنین معانی قویاً^۲ مرتبط با تجربیات است که فرد تاکنون داشته است و به فردی که نه تنها زندگی می‌کند، بلکه به تجربیات خود معانی را منتسب می‌کند، اطلاق می‌شود، بنابراین، مطالعه معنا مستقیماً^۳ به تجربیات واقعی ارجاع نمی‌شود، بلکه به اینکه چگونه یک تجربه تاکنون زیسته شده و به آن معنا منتسب شده است، اطلاق می‌شود (داهر^۴ و همکاران، ۲۰۱۷).

در این روش محقق به درک و فهم بستر فرآیندهای اجتماعی و ماهیت ذهنی و بین ذهنی زندگی انسانی، دریافتن تفسیر، معانی و مفاهیم رویدادهای اجتماعی در تجربه کنشگران می‌پردازد (استراس و کوربین^۳، ۱۹۹۸ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). با توجه به تحولات سریع اجتماعی و اقتصادی، انجام تحقیقات کمی با رویکرد قیاسی نمی‌تواند مسائل جدید پیش روی زنان و مردان را در حوزه فرزندآوری شفاف سازد و نظر به اهمیت فهم معنای فرزند در بستر جدید اجتماعی اقتصادی جامعه، مطالعات کیفی کاربرد ویژه‌ای دارند. با توجه به هدف اصلی این پژوهش که درک و کشف دیدگاه و تفسیر زنان از معنای فرزند و نقش آن در تصمیم فرزندآوری است، رویکرد تفسیری بنیادی^۴ مد نظر قرار گرفت. مشخصه اصلی این رویکرد این است که افراد واقعیت را در تعامل با دنیای اجتماعی پیرامون خود می‌سازند بنابراین بر ساخت گرایي زمینه ساز رویکرد تفسیری بنیادی است (مریم^۵، ۲۰۰۹). در این رویکرد، محقق علاقمند به فهم معنای یک پدیده برای افرادی که درگیر آن هستند می‌باشد. معنا، در واقع، کشف نمی‌شود بلکه ساخته می‌شود. معنای یک پدیده، ماهیتی درون زاد و ذاتی نداشته و صرفاً^۵ منتظر کسی نیست که آن را کشف کند. زمانی که انسان‌ها با دنیای پیرامون خود درگیر شده و تعامل دارند و آن‌ها آن را

1 Cassirer

2 Daher, et.al.,

3 Strauss and Corbin

4 Basic Interpretive Approach

5 Sharan B.Marriam

تفسیر می‌کنند، معانی توسط موجودات انسانی در واقع ساخته می‌شوند (کراتی^۱، ۱۹۹۸، ۴۳-۴۲). این رویکرد، در همه انواع تحقیقات کیفی مشترک است. محقق در این تحقیق با این رویکرد، به دنبال فهم معنای فرزند نه بر اساس تجربه خود از فرزند، بلکه از تجربه خود در تعامل با محیط پیرامون خود و دریافت باورهای رایج سنتی و مذهبی در خصوص فرزند می‌باشد. باور پدیداری^۲ می‌تواند در تصمیم به فرزندآوری فرد دخالت کند. با اتخاذ رویکرد کیفی در این پژوهش، علاوه بر این که امکان درک و تبیین فرآیندهای منجر به وقایع مورد نظر از دیدگاه افراد مشارکت‌کننده وجود دارد، امکان شناسایی و تفسیر پدیده‌های ناشناخته و تأثیری که بر فرایند باروری دارند، نیز امکان پذیر می‌شود. البته بر اساس پارادایم تفسیرگرایی حاکم بر این پژوهش، این درک و تفسیر اصولاً^۳ نمی‌تواند تعمیم‌پذیر و جهان‌شمول باشد بلکه تحلیل خاص این افراد در این برهه زمانی و در این بستر خاص اجتماعی است.

در این رویکرد، تلاش شد تفاسیر زنان از فرزند، با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق و نیمه‌ساخت یافته با تعداد ۱۸ زن متأهل بدون فرزند که حداقل ۵ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، نابارور نبوده و به‌طور ارادی بارور نشده و ساکن شهر تهران بودند، واکاوی گردد. اگرچه خود زنان تجربه فرزندآوری نداشته و تفاسیر آن‌ها از فرزند و معنای برساخته از فرزند در نگاه آنان از تجربه خویش از فرزند نشأت نمی‌گیرد، بلکه فرض این تحقیق این است که افرادی که فرزندآوری را به‌طور ارادی به تأخیر می‌اندازند، لزوماً^۴ ادراک و فهمی از فرزند در اثر تعامل با محیط پیرامون خود و تجربیات سایر اعضای خانواده و تجربه زندگی با دیگران بدست آورده‌اند. روش نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای سن، تحصیلات و مدت زمان ازدواج بوده تا نمونه از تنوع کافی برخوردار باشد. در برخی موارد برای دستیابی به زنان با مشخصات مورد نظر، از روش گلوله‌برفی استفاده شد و مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت یافته ادامه یافتند تا به اشباع محتوایی رسیدند، به‌طوری‌که مقولات جدیدی در رابطه با سوال تحقیق در مصاحبه‌های ۱۷ و ۱۸ دیده نمی‌شد.

1 Crotty, M.

2 Phenomenal Belief

سوالات و موضوعات اصلی در راهنمای موضوعی مصاحبه‌ی عمیق برگرفته از چارچوب نظری مطالعه بود و محور اصلی سوالات عبارت بود از "تعریف فرزند، لذت و نفع عاطفی روانی فرزند، مزایا و معایب اقتصادی در زندگی و نقش فرزند در حمایت سالمندی" و نهایتاً ارتباط همه این محورها با تصمیم و تمایل به فرزندآوری مورد کنکاش قرار گرفت. بعنوان مثال، سوالات شامل موارد فوق بود: "فرزند از نظر شما چه مفهومی دارد؟ چگونه فرزند را برای زندگی خود تعریف می‌کنید؟ چه تأثیراتی در زندگی شما دارد؟ چقدر اهمیت دارد که فرزند داشته باشید؟ چرا تاکنون فرزند نیاورده‌اید؟ چه نقشی در کیفیت زندگی زناشویی شما خواهد داشت؟ چه نقشی در آینده زندگی مشترک شما خواهد داشت؟ نقش فرزند را در حمایت سالمندی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و لازم به ذکر است که با استفاده از سوالات تکمیلی و توضیحی^۱ به گسترده شدن ابعاد مختلف پاسخ‌ها و عمیق شدن آن‌ها کمک شد. سوالاتی مانند (دیگر چه، آیا مورد دیگری وجود دارد؟ ممکن است بیشتر توضیح دهید؟ منظورتان را بازتر بیان کنید و). مصاحبه‌ها با اجازه‌ی مشارکت کنندگان ضبط و سپس پیاده سازی شدند.

برای تحلیل مصاحبه‌های کیفی، از روش تحلیل محتوایی موضوعی^۲ متعارف با رویکرد استقرایی استفاده شد. تحلیل داده‌ها، بعد از مصاحبه‌ی اول آغاز شد. نرم افزار مکس کیودا، نسخه ۱۰^۳ در کدگذاری و طبقه بندی کدها و مدیریت داده‌های کیفی مورد استفاده قرار گرفت. واحدهای تحلیل از یک کلمه تا یک جمله و پاراگراف متغیر بودند. تعداد ۲۲۴۲ کد باز استخراج شد که بر اساس اشتراکات مفهومی و معانی مشترک ظاهری در قالب ۴ مقوله اصلی، ۱۰ طبقه فرعی و چندین زیر طبقه دسته‌بندی شدند. کدها با روش مقایسه‌ی مداوم در داخل مصاحبه و بین مصاحبه‌ها، بر اساس اشتراکات مفهومی به طبقات و زیرطبقات مشخص دسته‌بندی شدند و به تدریج اصلاح و نهایی شدند. در نهایت این طبقات و زیر طبقات بر اساس معانی پنهانی در

1 Probe

2 Conventional thematic content analysis

3 MAXQDA10

سطوح انتزاعی بالاتر، درون مایه‌ی اصلی را تشکیل دادند که بتوان طبقات را در آن‌ها قرار داد، این درون مایه قابلیت توضیح معنای فرزند و نقش آن در تمایل به فرزندآوری را دارد.

در این تحقیق، برای افزایش اعتبار درونی نتایج، راهبردهایی دنبال شد. برای افزایش اعتبار، جزئیات کافی از روش اجرا ارائه شده تا نتایج برای خواننده ملموس و اعتبار کافی داشته باشد (فایرستون^۱، ۱۹۸۷). استفاده از تری انگولیشن^۲ یا زاویه بندی با مشاوره با سه محقق با تجربه در طول تحقیق به اعتبار درونی^۳ نتایج کمک کرد (سئول^۴، ۱۹۹:۵۴). در این پژوهش، محقق ضمن درگیر بودن کامل با موضوع در تمام مصاحبه‌ها و ایجاد ارتباط خوب با مشارکت‌کنندگان، بعد از پایان هر مصاحبه درک و معنای فرزند، و برداشت‌های خود از مصاحبه را به‌طور شفاهی به مشارکت‌کننده بازخورد داده تا از درستی آن مطمئن شود. و در صورت مغایرت یا نیاز به اطلاعات تکمیل‌کننده، اصلاح شود^۵ که این امر نیز به اعتبار درونی نتایج تحقیق کمک کرد.

یافته‌ها

طیف سنی افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌های عمیق، از ۲۲ سال تا ۳۳ سال و مدت زمان ازدواج آن‌ها از ۵ سال تا ۹ سال متغیر بود و طیفی از تحصیلات دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های مختلف، در دو گروه شاغل و خانه‌دار در بین مصاحبه‌شوندگان وجود داشت. هرچند باید مد نظر داشت که از بین ۱۸ نفر زن مشارکت‌کننده در این تحقیق، فقط ۴ زن تحصیلات دیپلم داشته و بقیه تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس داشته‌اند. همچنین تنوع در میزان درآمد ماهیانه خانوار در بین زنان دیده می‌شد. مصاحبه‌ها را محقق اصلی انجام داده و طول مدت مصاحبه به‌طور متوسط ۴۵ دقیقه بوده است. محل مصاحبه‌ها بسته به راحتی و رضایت فرد مصاحبه‌شونده، در منزل، پارک و انجام شد.

1 Firestone
2 Triangulation
3 Internal validity or Credibility
4 Seale
5 Member check

جدول ۱ مشخصات جمعیتی و اجتماعی مشارکت کنندگان در تحقیق

شماره مصاحبه	تحصیلات	سن	مدت ازدواج (به سال)	درآمد ماهانه خانوار	شغل همسر	وضعیت شغلی
۱	کارشناسی ارشد	۲۳	۶	۲ میلیون	کارمند بانک (خصوصی)	دانشجو
۲	کارشناسی	۳۰	۵	۳/۵ میلیون	کارمند (تدارکات و کارپرداز)	خانه دار
۳	کارشناسی	۳۱	۶	متغیر	تئاتر	تئاتر
۴	کارشناسی ارشد	۳۱	۹	۲ میلیون	آزاد (بازاری)	خانه دار
۵	کارشناسی	۲۴	۵	۲ میلیون	آزاد (خدمات کامپوتری)	منشی
۶	دیپلم	۲۲	۶	۱/۵ میلیون	شرکت خصوصی	خانه دار
۷	دیپلم	۲۸	۶	متغیر	آزاد (کار ساختمانی)	خانه دار
۸	کارشناسی	۳۳	۵	۳ میلیون	مهندس	خانه دار
۹	کارشناسی (روانشناسی)	۲۶	۵	۳ میلیون	بازاریابی	بازاریابی
۱۰	کارشناسی ارشد	۲۶	۵	۷/۵ میلیون	مدیر فنی	مدیر بازاریابی
۱۱	دیپلم	۲۲	۵	۱/۵ میلیون	آزاد	آرایشگر
۱۲	کارشناسی	۳۱	۵	۵ میلیون	کارمند	کارمند بیمارستان
۱۳	کارشناسی	۲۹	۵	۲ میلیون	کارمند	خانه دار
۱۴	کارشناسی ارشد	۳۰	۵	۵-۶ میلیون	شرکت خصوصی شخصی	مدیر داخلی
۱۵	کارشناسی	۳۳	۶	۷-۸ میلیون	مهندس	شاغل در اداره برق
۱۶	کارشناسی	۲۳	۷	۳ میلیون	استاد حق التدریس	دانشجو
۱۷	دیپلم	۲۵	۶	۲ میلیون	آزاد	خانه دار
۱۸	کارشناسی ارشد	۲۴	۶	۵ میلیون	مهندس	خانه دار

علی رغم تلاش محقق در جهت حداکثر تنوع در تحصیلات شرکت کنندگان در تحقیق، مقوله‌ها و طبقات استخراج شده در مورد معنای فرزند و کارکرد آن در زندگی، در این تحقیق قابلیت تعمیم مفهومی (نه تعمیم به مثابه آنچه در تحقیق کمی وجود دارد) به زنان با تحصیلات

بالا در شهر تهران خواهد داشت. به این معنا که میتوان با اطمینان ادعا کرد که مقوله و مضمونی در مورد معنای فرزند در زنان تحصیلکرده شهر تهران وجود ندارد که در این تحقیق استخراج نشده باشد.

مقوله‌ها و مضامین استخراج شده

مضمون یا درون‌مایه اصلی این تحقیق عبارت بود از: "فرزند تلفیقی از یک تمایل غریزی و ذاتی به همراه نگرانی و ابهام است که با بازاندیشی در نقش فرزند بر کیفیت رابطه زناشویی و حمایت سالمندی همراه بود و با گذر زمان (چه در گذر نسلی، چه در دوره زندگی)، متحول می‌شود" (جدول ۲). با توجه به ارتباط بسیار نزدیک معنای فرزند و کارکردهای آن، مضامین استخراج شده از تحلیل مصاحبه‌های عمیق به شرح زیر می‌باشند:

۱. میل غریزی و ذاتی نسبت به فرزند به همراه احساس نگرانی و نوعی ابهام که ماهیتی دینامیک دارد.
۲. رشد عقلانیت در فرزندآوری ارادی و با برنامه
۳. بازنگری در نقش فرزند در بهبود روابط زناشویی
۴. بازاندیشی در مورد نقش فرزند در حمایت سالمندی

۱. مضمون "میل غریزی و ذاتی نسبت به فرزند به همراه احساس نگرانی و نوعی ابهام که ماهیتی دینامیک دارد."

این مضمون شامل سه طبقه اصلی یا مقوله بوده که هر طبقه اصلی نیز طبقات فرعی و زیر طبقات فرعی دارد. در واقع تفاسیر زنان از معنای فرزند، ناظر به تغییر نگاه آنان در طول زمان به موضوع فرزند و از نسلی به نسل دیگر، حس ذاتی و درونی نسبت به فرزند و همزمان نوعی ابهام و سرگردانی در تصمیم به داشتن فرزند بود.

۱,۱ مفهوم فرزند، یک مفهوم دینامیک، نه استاتیک

این طبقه اصلی با ۳۸۶ کد باز، بیشترین مفهوم تکرارشونده در مصاحبه‌ها بود، مفهوم فرزند، یک مفهوم دینامیک، نه استاتیک است. به نظر می‌رسد زمان عامل موثر در تحول معنای فرزند در دیدگاه افراد است. به طوری که معنای فرزند در طول دوره زندگی فرد و همچنین از نسلی به

نسل دیگر در حال تغییر بوده و دستخوش گذار معنایی است؛ به نظر می‌رسد با تغییر شرایط اجتماعی و دوره‌های زمانی، معانی هم دچار تغییر می‌شوند. افراد به سخت شدن زندگی‌ها، حضور زنان در اجتماع و عاملیت آن‌ها، مشکلات اقتصادی، ارتقای کیفیت و استانداردهای زندگی اشاره کرده که همه‌ی این‌ها در معنایی که فرزند برای آن‌ها دارد و تمایل و تصمیم برای داشتن فرزند نقش به‌سزایی داشته است. بعنوان نمونه، خانم ۳۱ ساله و شاغل که به شدت فعال و به دنبال پیشرفت کاری و حضور بیشتر در اجتماع بود، گفت: "خانمای قدیم که هیچ‌کدام شاغل نبودن، همه خونواده‌دار بودن، اصلاً انگار که دلیل بودن به زن، دلیل ازدواج کردن

جدول ۲ مضامین، طبقات اصلی و فرعی و زیر طبقات استخراج شده در تحلیل محتوایی موضوعی از نوع

استقرایی

مضمون اصلی	مضامین	طبقه‌ی اصلی	طبقات فرعی / زیر طبقه فرعی
" فرزند تلفیقی از تمایل غریزی و ذاتی به‌همراه نگرانی و ابهام است که با رشد عقلانیت در فرزندآوری ارادی و برنامه‌ریزی شده، بازاندیشی در نقش فرزند بر کیفیت رابطه زناشویی و حمایت سالمندی همراه بوده و مفهومی دینامیک بوده که با گذر زمان (چه در گذر نسلی، چه در دوره زندگی)، متحول می‌شود."	۱. میل غریزی و ذاتی نسبت به فرزند به‌همراه احساس نگرانی و نوعی ابهام که ماهیتی دینامیک دارد.	۱,۱ مفهوم فرزند، یک مفهوم دینامیک، نه استاتیک	<ul style="list-style-type: none"> ○ تغییر دیدگاه زنان نسل‌های امروزی نسبت به نسل‌های گذشته ○ تغییر دیدگاه زنان با گذشت سن و دوره زناشویی
		۱,۲ مادری یک حس غریزی و ذاتی و اجتناب ناپذیر	<ul style="list-style-type: none"> ○ احساسی ○ فانتزی و رویا پردازی برای فرزند ○ نگاه مثبت و ارزشمندی به فرزند ○ فرزند اجتناب ناپذیر
		۱,۳ ابهام، ترس و نگرانی در فرزندآوری	<ul style="list-style-type: none"> ○ فرزند مفهوم چالش برانگیز ○ بی اهمیت بودن فرزند در نظر فرد و عدم نیاز به فرزند ○ ابهام و سرگردانی

ادامه جدول ۲ مضامین، طبقات اصلی و فرعی و زیر طبقات استخراج شده در تحلیل محتوایی موضوعی

از نوع استقرایی

مضمون اصلی	مضامین	طبقه اصلی	طبقات فرعی / زیر طبقه فرعی
۲. رشد عقلانیت در فرزندآوری ارادی و با برنامه		۲,۱ تحولات نگرشی در خصوص فرزند و فرزندآوری	<ul style="list-style-type: none"> ○ اهمیت تربیت و کیفیت فرزند ○ محدودیت آزادی فردی و فردگرایی ○ کمال گرایی و آرمان خواهی ○ اهمیت صمیمیت جنسی با همسر و تداخل فرزندآوری با آن
		۲,۲ اهمیت تامین شرایط فردی و آمادگی برای فرزندآوری	<ul style="list-style-type: none"> ○ اهمیت آمادگی روحی و روانی ○ مشکلات اقتصادی ○ اهمیت آمادگی اقتصادی ○ ارتقای موقعیت اجتماعی و اقتصادی ○ شرایط سنی مناسب فرزندآوری
		۲,۳ ملاحظات اجتماعی در مورد فرزندآوری	<ul style="list-style-type: none"> ○ شرایط نامساعد جامعه
۳. بازنگری در نقش فرزند در بهبود روابط زناشویی		۳,۱ اهمیت کیفیت رابطه زناشویی قبل از فرزندآوری	<ul style="list-style-type: none"> ○ تأثیرات در روابط متعادل ○ تأثیرات در روابط متشنج ○ تردید در تأثیر فرزند بر زندگی زناشویی
		۴,۱ تعدیل انتظارات حمایتی از فرزندان	<ul style="list-style-type: none"> ○ تغییر شرایط اجتماعی و درگیری‌های شخصی فرزندان ○ ویژگی شخصیتی خاص فرزندان
۴. بازاندیشی در مورد نقش فرزند در حمایت سالمندی		۴,۲ تغییر نوع انتظارات والدین از فرزندان	<ul style="list-style-type: none"> ○ حمایت روحی، عاطفی بیشتر از حمایت اقتصادی و نگهداری
		۴,۳ دور اندیشی برای سالمندی سالم و فعال	<ul style="list-style-type: none"> ○ برنامه‌ریزی برای دوران سالمندی

یه مرد این بود که زنش بشینه تو خونه واسش زایمان کنه و بچه بیاره و رخت بشوره. انقدر آلاان مشکلات هست که اولاً هیشکی یه دونه بیشتر بچه

نمی‌خوان، بعدشم که خانما خیلی اومدن تو جامعه، خیلی اکتیو شدن، نصف جامعه رو خانما دارن می‌چرخونن. خیلی کاری ان، دنبال تحصیلات، دنبال کار، اینجوریه...".

به نظر می‌رسد زنان نسل‌های جدید در مقایسه با نسل‌های پیشین، به‌خصوص زنان شاغل و تحصیل کرده، هویت خود را در مادر شدن نمی‌جویند، بلکه بیشتر هویت خود را در تحصیلات، اشتغال و حضور فعال در جامعه می‌دانند. به نظر می‌رسد فرزند نقش هویت‌بخشی زنان در نسل‌های گذشته بوده، درحالی‌که زنان عصر حاضر با عناصر دیگر مانند تحصیلات و اشتغال، به جستجوی هویت اجتماعی هستند که در رقابت با فرزند قرار می‌گیرد.

تغییر ویژگی‌های فرزندان امروزی در مقایسه با نسل‌های گذشته، نیز عاملی بود که به نظر در تغییر معنای فرزند نقش داشته باشند. میزان تکرار شوندرگی ویژگی‌های منفی کودکان عصر حاضر با ۱۰۲ کد باز بیشتر از ویژگی‌های مثبت با ۴۶ کد باز است. پاسخگویان در عین شمردن چند ویژگی مثبت که بیشتر شامل امکانات و اطلاعات بودند، بیشتر بر ویژگی‌های متفاوت و گاه منفی فرزندان نسل کنونی تاکید داشتند. مثلاً پاسخگوی ۲۲ ساله، دیپلم و خانه‌دار که علاقه‌ی زیادی به بچه‌ها دارد، می‌گوید:

"بچه‌های امروزی هم روحیه‌های حساسی دارن، بعد یکم لج بازن، باهوشن. بچه‌های امروزی هم خب همه چی می‌خوان. اسباب بازی بچه‌های دیگه رو می‌بینن، سخته دیگه، آدم باید از لحاظ اقتصادی آمادگیشو داشته باشه که بتونه خواسته‌های بچه شو برطرف کنه".

افزایش مطالبات و خواسته‌های فرزندان نسل‌های حاضر افراد را نگران کرده است. بخشی از این نگرانی بابت هزینه و مسائل اقتصادی آن است و بخشی دیگر از باب مسائل تربیتی و توقعات بیش از حد کودکان است.

از سوی دیگر، در هر فرد نیز در طول دوره زندگی، معنای فرزند با گذشت زمان تغییر می‌کند، به‌طوری‌که از نگاه برخی از زنان در ابتدای ازدواج، فرزند دست و پا گیر و مانع محسوب می‌شود که با گذشت زمان این نگاه تغییر کرده و احساس نیاز به فرزند در آن‌ها ایجاد

شده بود. خانمی که ۵ سال از زندگی مشترک‌شان می‌گذرد و برخلاف سال‌های اول زندگی علاقه‌ی زیادی به فرزنددار شدن دارد، می‌گوید:

”اون سالایی که بچه نمی‌خواستم بچه خب برام نقش یه مزاحم رو داشت و من نمی‌تونستم به خیلی از آرزو هام و کارایی که می‌خواستم بکنم برسیم و فقط مانع می‌شد و موجودیه که فقط باید در خدمتش بود و بهش کمک کرد. ولی الان بچه برام موجودیه که همراه با رشد خودش به من هم رشد میده. رشد شخصیتی میده، رشدی میده که من فک کنم تنها با اون من می‌تونم بدست بیارم. و در واقع آماده‌ی این هستم که بهش یاد بدم بهش آموزش بدم، کنار اون خودمم یاد بگیرم و از بودن باهاش لذت ببرم“.

گویا در سطح فردی، افراد با گذشت زمان، جای خالی فرزند و نیاز به تجربه‌ی حس والد شدن را بیشتر احساس می‌کنند و افرادی که در اوایل زندگی مشترک، علاقه‌ای به داشتن فرزند نداشته‌اند، با گذر زمان و دور شدن از جاذبه‌های اوایل زندگی زناشویی و دو نفره، تمایل بیشتری برای آن دارند. به نظر می‌رسد فرزند بخشی از توسعه فردی در ادامه زندگی مفهوم و معنا می‌یابد. در حالی که شرایط اقتصادی برای بسیاری از پاسخگویان تعیین کننده بود، لکن آن‌ها معتقد بودند که معنای فرزند را می‌توان مفهومی دینامیک دانست که هم در طول دوره زندگی و هم از نسلی به نسل دیگر دچار دگرگونی و تغییر می‌شود.

۱.۲. مادری یک حس غریزی، ذاتی و اجتناب ناپذیر

این طبقه اصلی با ۳۵۲ کد باز، در بر گیرنده ۴ زیر طبقه فرعی است. در گفت و گوی پاسخگویان نوعی حس غریزی درونی قوی نسبت به فرزند در افراد وجود داشت که به‌طور تکرار شونده در مصاحبه‌ها دیده شد. این حس با همان حس مادر شدن رابطه مستقیم داشت. همه‌ی پاسخگویان علی‌رغم دارا بودن طیفی از شرایط یا نگرش‌ها که مانع تصمیم فرزندآوری در آن‌ها شده بود، نوعی نگاه مثبت به فرزند و حس مادری و با ارزش بودن فرزند، داشتند. حتی پاسخگویی که ۶ سال از ازدواج‌شان می‌گذشت و تصمیم قطعی برای فرزندآوری نداشت هم نگاه مثبتی و احساسی به مادر شدن داشت. او می‌گوید:

”کیه که بچه دوست نداشته باشه؟ بچه رو دوس داریم. و چون بچه رو

خیلی دوس داریم نمی‌خوایم بیاریمش تو این شرایط”.

به نظر می‌رسد افراد علی‌رغم تصمیم فرزندآوری، ارزش احساسی زیادی برای آن قائل هستند. علت پرهیز از فرزندآوری، اهمیت ملاحظات محیطی شامل اجتماعی و اقتصادی است نه اینکه فرزند خواسته نیست.

نگاه عاطفی و احساسی به فرزند با ۲۲۶ کد باز، بیشترین تکرار را در این مقوله داشت. پاسخگویان احساسات مثبت و عاطفی، را برای فرزند بیان می‌کردند. این احساسات و عواطف بدون در نظر داشتن تحصیلات، اشتغال و موقعیت اجتماعی بود. پاسخگوی ۳۱ ساله که علاقه‌ی زیادی به بچه‌ها داشت، عکس بچه‌های زیبا را نگه می‌داشت و آن‌ها را در اینستاگرام دنبال می‌کرد، می‌گوید:

”خیلی دوس دارم بچه‌ها رو. من عاشق بچه‌هام خیلی، اصلا بچه تو خیابون.

کلا بچه‌هارو خیلی دوس دارم. دوس دارم که این حسو تجربه کنم. زندگی

بدون بچه اصلا معنی نداره. شیرینه، لذت بخشه. خیلی با مزست. یک موجود

شیطون و با مزه”.

فرزند از نگاه بسیاری از پاسخگویان، می‌تواند یک زندگی را که دچار روزمرگی شده است، تغییر دهد و نوعی شادی و نشاط و امید به آینده را برای افراد با خود به همراه بیاورد. فانتزی و رویاپردازی یکی از مولفه‌هایی است که با ۶۶ کد باز نشان‌دهنده‌ی حس مثبت و ارزشمند زنان نسبت به فرزند است، خیلی از زنان از تصویرسازی‌های ذهنی‌شان صحبت می‌کردند، از ایده‌ها و آرمان‌هایی که برای فرزندان‌شان داشتند. نوعی کمال‌گرایی و نگاه آرمان‌گرایی در فانتزی‌ها و رویاپردازی‌های زنان دیده می‌شد. پاسخگوی ۲۴ ساله و دانشجو که در یک مطب منشی است، می‌گوید:

”اونجوری که دلش می‌خواد هر روز به رنگ لباس تن بچه کنه. تنوع بده

اینا، بچه‌ام سفید باشه، تپلی باشه، همیشه بوی خوب بده، به موقع حماسش کنم،

دوس دارم قشنگ مشخص باشه که یک فردی به جز منه آدم بزرگ تو اون خونه داره زندگی می‌کنه.

پاسخگوی ۲۷ ساله که احساس می‌کند باید حتما بچه‌دار شود، می‌گوید:

"یه جوری تو ذهن من تعریف شده که انگار باید بیاری، دو نفر که باهم ازدواج می‌کنن باید بچه‌دار بشن".

با توجه به بافت فرهنگی ایران، برای عموم جامعه شنیدن اینکه یک زن و شوهری نمی‌خواهند بچه‌دار شوند، خیلی پذیرفته شده نیست و بیشتر ممکن است نشان‌دهنده ناباروری آن‌ها باشد تا نخواستن فرزند. به نظر می‌رسد این حس در دختران از کودکی بصورت یک طرحواره ذهنی شکل گرفته است که داشتن فرزند اجتناب‌ناپذیر است و فرزندآوری مرحله مهمی پس از ازدواج محسوب می‌شود.

۱,۳ ابهام، ترس و نگرانی مرتبط با فرزندآوری

در کنار نگاه مثبت و ارزشمند به فرزند، پاسخگویان از نوعی حس ترس و نگرانی برای فرزنددار شدن صحبت می‌کردند. این مضمون حاصل ۳ زیر طبقه فرعی و ۲۷۷ کد باز است. فرزند مفهوم چالش برانگیز، ابهام و سرگردانی و حتی گاهی بی‌اهمیت بودن فرزند در نظر فرد و عدم نیاز به فرزند که گویای نوعی نگاه منفی به فرزند بود، نشان داده شد. در واقع این احساسات نوعی دلهره، نگرانی، ناشناخته بودن، ترس و ابهام را با خود دارد که پاسخگویان این احساسات را در کنار احساسات مثبت و حس مادری نهادینه شده بیان کردند. پاسخگویان احساسات منفی خود را در عناوینی مانند "سخت بودن فرآیند فرزندآوری، پر مسئولیت بودن، ترس و نگرانی و همچنین پر هزینه بودن" آن عنوان می‌کنند. خانمی ۲۵ ساله با تحصیلات دیپلم و خانه‌دار که از نظر اقتصادی شرایط معمولی داشت گفت:

"یه خورده ترس از آینده و مسئولیتی که میاد رو دوشتم که به نظرم یه

خورده سخته. ترسمون از این بود که دچار مشکل نشیم واسه خرج و مرج و اینا

یه خورده هم از نظر اینکه توجه همسرم به من کم‌تر بشه. از زایمان هم ترس

دارم. برام تعریف کردن. الانم بهش که فکر می‌کنم که آگه باردار بشم باید زایمان کنم می‌ترسم. ولی این شتریه که میگن در خونه هر کسی می‌خوابه دیگه".

ترس از شرایط اقتصادی و عدم اطمینان به وضعیت اقتصادی، بیشتر در میان پاسخگویان کم درآمدتر و یا با امنیت شغلی کمتر دیده می‌شد. خانم ۳۰ ساله‌ای که با همسرش هر دو کار می‌کردند تا بتوانند هزینه‌های زندگی را برآورده کنند و به تازگی کارش را از دست داده است، می‌گوید:

"بچه بیا در دسر داره، همه‌اش باید برا اون خرج کنیم. همش باید به فکر اون باشیم. بعد شوهرمم خیلی می‌ترسه از این هزینه‌ها. خیلی براش مهمه، میگه باید به یه سری از چیزایی که می‌خوام برسم اول. اول خونمو بخرم، خونه دو خوابه بخرم، بعدا به فکر بچه‌دار شدن بیفتم. اینا هستن".

برخی از پاسخگویان نیز اذعان می‌کردند که تا کنون نیازی به داشتن فرزند نداشته و جای خالی فرزند را احساس نکرده اند. پاسخگوی ۳۱ ساله، که ۶ سال از ازدواج آن‌ها می‌گذرد، می‌گوید:

"تو این مدت واقعا دلم بچه نمی‌خواست، واقعا نمی‌خواستم، با اینکه بچه‌ها رو دوس داشتم، واقعا بچه نمی‌خواستم، برای خودم نمی‌خواستم. هنوز هم فک می‌کنم دو سال دیگه هم از نظر اینکه مجبورم و سنم میگذره. با اینکه شیرینه، نیازشو ندارم، هنوز اون نیاز رو حس نکردم".

معمولا بعد از شروع زندگی مشترک، افراد تا مدتی به دلیل جاذبه‌های زندگی مشترک و یا مشغولیت کار و تحصیل و سختی‌های زندگی نو پا خیلی تمایلی به داشتن فرزند ندارند. و ممکن است در این سال‌ها و با دلایلی که ذکر شد جای خالی فرزند را خیلی احساس نکرده باشند.

برخی از زنان در یک پارادکس و ابهام به سر می‌بردند، از طرفی حس ذاتی عاطفی و مادری تمایل به فرزندآوری و از سوی دیگر ترس‌ها، عدم آگاهی و ابهام، آن‌ها را در یک سرگردانی مهم قرار می‌داد که آن‌ها را در تصمیم جدی مردد می‌ساخت. به نظر می‌رسد تصمیم

فرزندآوری عقلانی‌تر شده و افراد پیش شرط‌هایی برای فرزندآوری دارند و تمام شرایط فردی و اجتماعی را قبل از فرزنددار شدن سنجیده و سپس تصمیم می‌گیرند. بنابراین مفهوم فرزند تلفیقی از حس غریزی و درونی و نگرانی و ابهام است که با گذر زمان متحول می‌شود.

۲. مضمون "رشد عقلانیت در فرزندآوری ارادی و با برنامه"

رشد و توسعه عقلانیت در فرزندآوری مضمون دوم است که نقش معنای فرزند در کاهش فرزندآوری را نشان می‌دهد (۸۹۷ کد باز). این مضمون از ۳ طبقه اصلی و ۱۰ زیر طبقه حاصل شده است:

۲.۱ تحولات نگرشی در خصوص فرزند و فرزندآوری

این مضمون فرعی با ۳۷۲ کد باز، بیشترین ظهور و بروز را در مصاحبه‌ها در ارتباط با معنی فرزند و نقش آن در تمایل و تصمیم به باروری داشته است. تربیت و کیفیت فرزند، اهمیت بسیار زیادی برای همه‌ی پاسخگویان داشته، به طوری که، هر یک به نوعی به آن اشاره داشته و استانداردهایی برای آن در نظر داشتند. خانم ۲۴ ساله و دانشجوی کارشناسی مامایی که تربیت فرزند برایش بسیار مهم بود، می‌گوید:

"به نظر من برای بچه باید خیلی وقت گذاشت. به خاطر همینم تا الان بچه‌دار نشدم. چون شخصیت بچه فقط برای من نیست. آگه بد بار بیاد باعث ضرر و زیان به دیگرانم میشه. به همین دلیل بچه باید خیلی براش وقت گذاشت چه از لحاظ روحی روانی چه از لحاظ مادی که آگه بزرگ بشه هیچ کمبودی نگیره."

مغایرت درس و دانشگاه و عدم فرصت کافی برای تربیت مناسب، تصمیم برای فرزنددار شدن را به بعد از پایان تحصیلات موکول کرده، تا تمام وقت بتوان برای تربیت فرزند زمان صرف کرد، و از سپردن آن به والدین و یا مهد کودک و پرستار خود داری کرد. این نوعی آرمان‌گرایی در تربیت فرزند از نگاه نسل جدید را بازتاب می‌دهد.

زنان با هر موقعیت اجتماعی اقتصادی، استانداردهایی را برای زندگی و آینده‌ی فرزندآوری

خود در نظر داشتند. استانداردهایی که به شکل کمال‌گرایی خود را نشان می‌داد، مانند همه چیز باید برای آینده‌ی فرزند مهیا باشد، شرایط اقتصادی خیلی خوب، شرایط تربیتی عالی و کیفیت بسیار بالای فرزند و.... از جمله شرایطی است که پاسخگویان برای داشتن فرزند الزامی می‌دانستند. این شرایط به نوعی از کیفیت ایده‌آلی برخوردار بود. پاسخگو ۲۳ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد، که همسرش در یک بانک خصوصی شاغل است می‌گوید:

"آگه بنخوای خب به شکل متوسط بزرگ کنی خب به راحتی می‌تونی بچه رو بزرگ کرد ولی من اینو در خودم نمی‌بینم بچه رو اینطوری بنخوام بزرگ کنم. برام مهمه که از هر نظر براش وقت بذارم، انرژی بذارم، هزینه بزارم. هرکس از زندگی اولاً به چیز می‌خواد. من دلم نمی‌خواد به مادرم مثلاً عادی عادی باشم. من باید با مامانم به فرقی داشته باشم جفتمون آدمای کمال‌گراییم و خیلی سخت‌گیر".

اهمیت صمیمیت جنسی در ازدواج و نقش محدودکننده فرزند در آن با ۸۶ کد، یکی از مضامین تکرار شونده بود. به نظر می‌رسد با افزایش دانش جنسی و انتظارات جنسی زوجین، یکی از مهمترین کارکردهای ازدواج که بهره‌مندی جنسی است، اهمیت یافته و به‌خصوص زوج‌های جوان، به حفظ و ارتقای این صمیمیت جنسی اهمیت بیشتر از پیش داده و برنامه‌ریزی می‌کنند، به‌طوری‌که بر تصمیم فرزندآوری و تاخیر در آن تأثیر دارد. در واقع فرزند از نگاه آنان به‌خصوص در سال‌های اول ازدواج، ایجاد نوعی محدودیت برای صمیمیت جنسی زوجین می‌کند. بعنوان نمونه، زهرا پاسخگویی که ۶ سال از ازدواجش می‌گذرد می‌گوید:

"آزادی محدود میشه یکی به خاطر وضعیتی که آدم توی خونه داره. میدونی همه چی خیلی باید سکرت بشه، سخت میشه، توی خونه رابطه‌ی من و شوهرم توی خونه قلبیه، آگه بیاد (فرزند) چقدر باید کنترل بکنیم.. ما مدام..... .. سیستم خونمون به جوریه که من و اون می‌خواهیم راحت باشیم. بچه میاد و باید هر شب رعایت بکنیم".

پاسخگو در جای دیگر می‌گوید:

" دلیل اصلیش همینه دیگه. چون اون آزادی که میگم توی خونه داریم، لباسایی که آدم می‌پوشه لباسایی نیستش که آدم بتونه پیش بچه پوشید. و قطعاً خیلی اندام آدم پیدا تره. من خیلی از این بابتا ناراحتم".

همچنین پاسخگو از احتمال بی‌میل شدن جنسی خود نگران است و فرزند را به عنوان عاملی برای کاهش صمیمیت زناشویی بین خود و همسرش می‌داند و می‌گوید:

" خیلی از بی‌میلی‌های جنسی رو دیدم که بعد از اینکه زن بچه‌دار شده اتفاق افتاده. چون شوهرم سنش کمه، نه اینکه کم باشه ها. نسبت به عرف جامعه که ۳۰-۳۵ سالگی مردا بابا میشن. نکنه که من بی‌میل بشم نسبت به مسائل زن و شوهریمون. چون من قراره زایمان بکنم من قراره دوران شیردهی داشته باشم".

داشتن خلوت دو نفره و اهمیت آن برای پاسخگویان به میزانی اهمیت داشت که افراد ترجیح می‌دادند که قبل از فرزنددار شدن به حد کافی آن را تجربه کنند و از سویی نگرانی از دست دادن این زمان و خلوت دو نفره، تمایل و تصمیم آن‌ها را برای فرزندآوری به تاخیر می‌انداخت. لیلا پاسخگوی ۲۳ ساله‌ای که در ۱۸ سالگی ازدواج کرده و از زندگی و همسرش راضی است می‌گوید:

" شاید به چیزای خیلی عادی‌ها که توی زندگی داریم و بتونیم از دست بدیم توی زندگی به خاطر بچه‌دار شدن. خلوتامون از بین میره، بعد شوخیایی که باهم دیگه داریم یا مثلاً به کارایی که تا به تایمی جلو بچه خب نباید انجام داد. مخصوصاً ایرانیها که انقدر خشکن تو احساساتشون".

نگرانی ازدست دادن زمان‌های خلوت بین زوجین و به سردی گراییدن رابطه، مورد توجه پاسخگویان دیگر نیز بود، خانم ۲۳ ساله دانشجوی کارشناسی که منشی بودند، می‌گوید:

" انقد که آدم درگیر تربیت بچه و اینا میشه که نگو از اونورم شوهر انقد درگیر کسب درآمد میشه که یه ذره به نظرم سرد شه". خانم دیگری، ۲۹ ساله دارای تحصیلات لیسانس و خانه‌دار که بیش از ۵ سال ازدواج‌شان می‌گذشت"

وقت آزادی برای شوهرم ندارم. حس می‌کنم اونم یه جورایی نسبت به من دلسرد می‌شه. رابطمون کمتر میشه، عشق و علاقه و ابرازش یه خرده کم تر میشه. چون وقتش کم تر میشه. یه سری کارایی که شاید با وجود بچه هست شاید با بچه امکان پذیر نباشه".

بنابراین توجه و اهمیت به صمیمیت جنسی و زناشویی، می‌تواند یکی از ملاحظات موثر بر تصمیم باروری به‌خصوص در سال‌های اول ازدواج باشد.

۲.۲. اهمیت تامین شرایط فردی و آمادگی برای فرزندآوری

شرایط فردی با ۲۸۵ کد باز، دومین طبقه‌ی فرعی که شامل مشکلات اقتصادی و اهمیت آمادگی اقتصادی، ارتقای موقعیت اجتماعی و اقتصادی، سن و سایر شرایط دیگر است، موجب شده زوجین برای تصمیم به بارداری با عقلانیت و دقت نظر بیشتری رفتار کنند تا بتوانند شرایط بهتری را فراهم کنند. پاسخگویان دلیل عدم تمایل به فرزندآوری را عدم آمادگی روانی، مشکلات مالی از قبیل فقدان مسکن دائمی، حقوق کم، عدم ثبات کاری یا ناامنی شغلی و... می‌دانند.

آمادگی روحی و روانی زوجین برای فرزندآوری یکی از موارد مهم و تکرار شونده بود. افراد معتقد بودند فرزندآوری یک مسئولیت و وظیفه‌ی سنگین است و زمانی برای آن باید تصمیم گرفت که از نظر روحی و روانی به سطحی از آمادگی لازم برسند. پاسخگوی ۲۴ ساله می‌گوید:

"ما هر دو هم عقیده بودیم دوس داشتیم زمان بچه‌دار شدنمون زمانی باشه که هر دو آماده باشیم. نه اینکه یک نفر آمادگی داشته باشه طرف دیگه فشار وارد کنه. اگه کسی حس کنه شخصیتش ناپخته‌ست و ممکنه باعث ضرر و زیان به جامعه بشه باید صبر کنه تا خودش به پختگی کامل برسه بعد صاحب فرزند بشه. انسان با بالا رفتن سن خب کلا تجربه و درکش هم بالاتر میره".

غیر از آمادگی روحی و روانی، ثبات اقتصادی و عدم امنیت شغلی و اقتصادی، عامل مهم دیگری بود که مکرر بیان می‌شد. برای مثال خانم ۲۷ ساله می‌گوید:

"شغل شوهرم جوری نیست که بخواد دائم باشه. حقوقش بالا پایین میشه. به خاطر اینم هست. مشکلات اقتصادی که الان هست بخوای همونو بزرگ کنی خودش کلیه. هرچی که جلو میریم با شرایطی که داریم می‌گیم نه. فعلا بیفته عقب‌تر تا شرایطش پیش بیاد".

داشتن مسکن به‌ویژه مسکن دو خوابه برای افراد قابل توجه بود، به‌طوری‌که ۶ مورد از ۱۸ مورد به نداشتن مسکن دائمی، سختی آن اعم از سختی جا به جایی سالانه، افزایش پیش پرداخت و اولویت خرید خانه قبل از بچه‌دار شدن اشاره نمودند. خانم ۲۹ ساله می‌گوید:

"اول خونه بخریم. اولین اولویت زندگیمون شده خونه خریدن".

برخی از پاسخگویان در صحبت‌هایشان به اهمیت پس‌انداز اشاره داشتند، آن‌ها معتقد بودند که برای فرزندآوری باید پشتوانه‌ی مالی و پس‌اندازی برای شرایط غیر قابل پیش‌بینی داشت؛ به‌طوری‌که خانم ۲۴ ساله می‌گوید:

"یه سرمایه‌گذاری خوب داشته باشم، یه پس‌انداز داشته باشه آدم که مخصوص بچه باشه".

گویی لازمه‌ی فرزندآوری، تامین یک پیش شرط و آن رسیدن به سطحی از پیشرفت کاری و تحصیلی قبل از فرزندآوری بود. پاسخگوی ۲۴ ساله که در دوران پیش‌دانشگاهی ازدواج کرده و ادامه تحصیل یکی از شروط ازدواجش بود، می‌گوید:

"دوس داشتم ادامه تحصیل بدم، دوس نداشتم ازدواج مانع رسیدن به اهدافم شه".

تحصیلات برای برخی از پاسخگویان از چنان اهمیتی برخوردار بود که از همان ابتدا تصمیم به فرزندآوری، را به بعد از اتمام درس و دانشگاه موکول کرده‌اند.

سن، یکی دیگر از مواردی است که برخی از پاسخگویان به آن اشاره داشتند. ۴ نفر از پاسخگویان کم بودن سن خود در زمان ازدواج را، یکی از عوامل به تعویق انداختن فرزندآوری دانستند. پاسخگوی ۲۴ ساله که در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده بود می‌گفت:

"اولین محدودیت سنم بود، من خودم فک می‌کنم که خیلی کم سنم. خودم

بچه خیلی دوس دارم ولی تو این سن دوس ندارم".

از طرفی برخی از پاسخگویان، ترس و نگرانی از بالا رفتن سن و خطر ناباروری را داشتند. این ترس خود عاملی برای ترغیب آن‌ها به فرزندآوری بود. خانمی که ۹ سال از زندگی مشترک‌شان می‌گذرد و وارد سن ۳۱ سالگی شده است می‌گوید:

"الان بیشتر از مادر نشدن می‌ترسم. اینکه سنم بالا رفته. اگه بچه‌دار نشم

چیکار کنم. ادم وقتی که سنش کمه می‌با خودش میگه من که وقت دارم. این

وقت دارم وقت دارم. آدم چشم به‌هم می‌بینه شده ۳۰ سالش".

سن ۳۰ سالگی گویا برای پاسخگویان همانند یک مرز شناخته شده است که تا رسیدن به آن فرصت برای فرزنددار شدن هست اما بعد از آن نوعی ترس از دست دادن فرصت برای مادر شدن به سراغ افراد آمده چرا که با احتساب تمایل به داشتن فرزند دوم، ممکن است فرصت را از دست داده یا فرزند با کیفیت پایین به دنیا بیاورند.

۲,۳ ملاحظات اجتماعی در تصمیم فرزندآوری

برخی پاسخگویان مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی، آموزشی جامعه را برای فرزندآوری و رشد و نمو فرزند مناسب نمی‌دانستند. شرایط جامعه برای برخی از پاسخگویان به حدی از اهمیت برخوردار بود که پاسخگویی تصمیم خود مبنی بر "بی‌فرزندماندن" خود را به آن نسبت می‌دهد:

"اگه اینجا زندگی کردیم هیچ وقت بچه‌دار نشیم. چی بگم آخه از جهت

اینکه هیچ گونه آموزش صحیح، هیچ گونه پشتوانه‌ی علمی، چه میدونم

اجتماعی، فرهنگی، هیچ پشتوانه‌های برای بچه‌ها نیست".

مطلوب نبودن شرایط جامعه بیشتر از طرف خانم‌هایی با تحصیلات و سن بالاتر مطرح می‌شد. برخی از آن‌ها معتقد بودند، اگر در کشوری با شرایط و امکانات بهتر زندگی می‌کردند، در تعداد و زمان فرزندآوری‌شان تجدید نظر می‌کردند.

در این مضمون به ملاحظات زنان برای فرزندآوری پرداخته شد و نشان داده شد که تصمیم فرزندآوری تبدیل به یک تصمیم کاملاً عقلانی در نسل جدید شده است که برنامه‌ریزی دقیق لازمه آن می‌باشد. آنها کمتر در این حوزه خطرپذیر بوده و تلاش می‌کند کنترل شرایط را در دست داشته باشد. علت این موضوع عدم اطمینان از شرایط فردی و اجتماعی است افراد عاقلانه، با دقت و نوعی سخت‌گیرانه مجموعه شرایط را می‌سنجند و سپس برای فرزندآوری و یا زمان آن تصمیم می‌گیرند.

۳. مضمون "بازنگری در نقش فرزند در بهبود روابط زناشویی"

سومین مضمون، اهمیت ارتقای کیفیت رابطه زناشویی قبل از فرزندآوری بود. این هدف با ۳۴۶ کد باز، ۳ طبقه و ۱ درون مایه فرعی تشکیل شده است.

۳.۱ اهمیت کیفیت رابطه زناشویی قبل از فرزندآوری

بر اساس تفاسیر زنان در مورد نقش فرزند در کیفیت رابطه زناشویی، کیفیت رابطه زناشویی پیش از فرزندآوری، تعیین کننده تاثیر فرزند در زندگی زناشویی است؛ به طوری که در روابط زناشویی متعادل (با ۲۸۸ کد باز)، به اعتقاد زنان، فرزندآوری می‌تواند تاثیر مثبت احساسی، روانی و رفتاری بر زندگی زناشویی داشته باشد. به اعتقاد زنان، فرزندآوری در شرایط متشنج زناشویی، پایانی برای کشمکش‌ها و تنش‌های زناشویی نبوده و ورود فردی جدید به یک رابطه متشنج، مشکل آفرین قلمداد می‌شود. آن‌ها بر کیفیت و بهبود زندگی زناشویی قبل از فرزندآوری اشاره داشتند. ۹ نفر از پاسخگویان معتقد بودند که فرزندآوری راه حل مناسبی برای بهبود روابط زناشویی متشنج نیست و این باور قدیمی که برخی فرزندآوری را به زوجینی که دارای روابط مخدوش بودند، توصیه می‌کردند، نادرست می‌دانستند. در این خصوص، خانم ۲۴ ساله می‌گوید:

"به نظر من رابطه‌ای که از اول اشتباهه، بچه خراب ترش می‌کنه. اصلا این

دید درستی نیست که قدیمیا این کارو می‌کردن، حالا یه بچه بیار زندگیت

درست میشه. به نظر من کاملا اشتباهه در حق اون بچه. علاوه بر اینکه خودشونو

تباه کردن توی اون زندگی در حق اون بچه هم دارن کاملاً خطا می‌کنن. چون اگر می‌خواست زندگی درست شه، قبل‌تر از وجود بچه درست شده بود". پاسخگو فرزنددار شدن را به‌عنوان راه حل مسائل زناشویی، نادرست می‌دانست. یافته جالب که نشان‌دهنده رشد عقلانیت زنان برای شرایط فرزندآوری است. اعتقادی است که بر اساس آن فرزند را عاملی برای بهبود روابط زوجین ندانسته و بر اهمیت بهبود روابط زناشویی قبل از فرزندآوری تاکید کردند. به اعتقاد زنان، در فضای متشنج زناشویی، فرزندآوری نه تنها تاثیر مثبت ندارد، بلکه مشکلات را افزایش می‌دهد. مثلاً پاسخگوی ۲۵ ساله و دیپلم که خانه‌دار است می‌گوید:

"یه رابطه‌ای که به‌هم بخوره و از اون اول باهم خوب نباشه به نظرم با اومدن بچه نمی‌تونه خوب بشه. فک می‌کنم خیلی اشتباه می‌کنن اگه بچه‌دار بشن. کارشون به طلاق و جدایی کشیده بشه خیلی بدتره و اون بچه اون وسط زندگیش حروم میشه و می‌سوزه. شاید بعضیا رابطشون با بچه خراب بشه. ولی من ندیدم کسی با بچه رابطش خوب بشه".

پاسخگو معتقد است فرزنددار شدن در چنین شرایطی، هم به ضرر پدر و مادر است و هم به ضرر خود فرزند". فقط ۴ نفر از پاسخگویان معتقد بودند فرزندآوری در زندگی زناشویی متشنج می‌تواند اثر مثبتی داشته باشد و در بهبود زندگی نقش بسزایی داشته باشد. خانم ۳۱ ساله، دارای تحصیلات ارشد و خانه‌دار می‌گوید:

"به‌نظرم گاهی وقتا یه مسائلی پیش میاد کسایی که بچه ندارن راحت‌تر حاضرن اون رابطه رو قطع کنن تا کسی که یه آدم دیگه‌ای هم توی زندگی‌شه. حداقل من فکر می‌کنم اگه بچه‌دار شم در مقابلش مسئولم، راحت نباید چیز کنم و اینا. بلاخره اون بچه‌ام خودش که نمی‌خواسته. بلاخره آدم مسئولیت داره در مقابلش".

این نشانگر، ناهمگونی و تنوع در تفاسیر افراد در مورد نقش فرزند در آرامش زندگی زناشویی است. برخی هم در ایم مورد تردید داشته و آن را منوط به ویژگی شخصیتی افراد و یا شرایط می‌کردند. مثلاً "خانمی ۲۴ ساله می‌گوید:

"به نظر من بستگی به آدمش داره. مثلاً یکی خیلی از خود گذشته است هرچقدرم مشکل داره باهمسرش می‌گه اشکال نداره من به خاطر بچه کنار میام. بچه دارم نمی‌تونم زندگیمو خراب کنم. کسی که از خود گذشته بچه رو بهانه می‌کنه برای ادامه‌ی زندگی. ولی یکی از خود گذشته نداره می‌گه بچه دارم که دارم قرار نیست که منم زندگیمو خراب شه. اونم خراب شه. به نظر من به خود آدم بستگی داره به خود کودک بستگی نداره".

از نگاه پاسخگو، فرزند نقشی ندارد، بلکه نگاه و شخصیت خود فرد موثر است. درکل، بر اساس تفاسیر زنان، گزاره‌هایی مانند "بچه‌دار شو تا زندگی سرو سامان بگیرد، همسرت سر به راه شود، پایه‌های زندگی بحرانی ات محکم شود"، به شدت دچار تغییر و تحول شده است. نوعی بازاندیشی و عقلانیت در ادراک نقش فرزند در روابط زناشویی حاکم شده است. به اعتقاد زنان، در زندگی متعادل و نرمال و بدور از تشنج، فرزندآوری می‌تواند تاثیر مثبت احساسی، رفتاری و روانی داشته باشد، اگرچه می‌تواند منجر به محدودیت‌هایی در ارتباط با همسر به همراه داشته باشد. اما در زندگی متشنج و نابسامان، فرزند نمی‌تواند نقش بهبود دهنده داشته باشد و ممکن است حتی در تاثیرات سوء بر زندگی زناشویی داشته باشد. بنابراین افراد ترجیح می‌دهند، ابتدا زندگی مشترک با همسرشان را بسازند، سپس تصمیم به فرزندآوری بگیرند.

۴. مضمون "بازاندیشی در مورد نقش فرزند در حمایت سالمندی"

این مضمون بیانگر نوعی تغییر در نگرش و باورهای زنان نسل حاضر در خصوص انتظارات از حمایت فرزندان از آن‌ها در دوران سالمندی است. این مقوله حاصل ۷۰ کد باز، ۳ طبقه اصلی، ۴ طبقه فرعی است.

۴.۱ تعدیل انتظارات حمایتی از فرزندان

براساس تفاسیر زنان، انتظارات از حمایت فرزندان در دوران سالمندی تعدیل شده است. این طبقه اصلی با ۳۷ کد باز بیشترین تکرار شوندرگی را در بازاندیشی در مورد انتظار حمایت دوران سالمندی از فرزندان داشت. که از دو طبقه‌ی تغییر شرایط اجتماعی و درگیری‌های شخصی فرزندان و ویژگی شخصی خاص فرزندان نشأت گرفته که به نوعی نشان از فردگرایی و اولویت کارهای شخصی فرزندان نسبت به والدین اشاره دارد. تغییر شرایط اجتماعی، به نوعی بیان‌کننده‌ی تغییر سبک زندگی و درگیری‌های شخصی فرزندان، با ۲۸ کد باز بیشترین تکرار شوندرگی را در تغییر نوع نگاه به فرزند و بازاندیشی در مورد حمایت دوران سالمندی دارد. خانم ۲۳ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید:

"به نظر من توی این دنیای امروزی نباید به همچین انتظاری داشته باشم. توی این دنیایی که واقعا آدمای همه مشغله دارن".

پاسخگو خودش را مثال می‌زند که با وجود مشغله‌های کاری و شخصی نمی‌تواند آن‌طور که شایسته است به پدر و مادرش سر بزند و اوقات خود را با آن‌ها بگذراند. وی تغییر شرایط اجتماعی و سبک زندگی را عامل می‌داند. برخی از پاسخگویان دلیل نداشتن انتظار حمایت در دوران سالمندی از فرزندان، را "ویژگی‌های خاص فرزندان امروزی" می‌دانند. ویژگی‌هایی همانند خودخواهی، بی‌وفایی و... پاسخگوی ۲۸ ساله که خانه‌دار و دیپلم است، می‌گوید:

"خب بچه‌ها خیلی عوض شدن. توی گذشته بچه‌ها خیلی بیشتر مراقب پدر و مادرشون بودن و احترامشونو داشتن. اما الان بچه‌ها فقط توقع دارن. میگن تو باید فلان کارو کنی. تو فلان کارو واسه ما نکردی، نگا پدر و مادرای مردم بگن واسه بچه‌هاشون چیکار کردن".

پاسخگو اشاره دارد که این فرزندان هستند که مدام از والدین‌شان توقع دارند. و شخصیت فرزندان نسل کنونی به گونه‌ای است که نمی‌توان انتظار حمایت از آن‌ها را داشت.

۴.۲ تغییر نوع انتظارات والدین از فرزندان

برخی از پاسخگویان انتظار حمایت از فرزندان‌شان را منوط به دریافت حمایت روحی و عاطفی کرده و انتظار حمایت مالی از فرزندان مطرح نبود. انتظار حمایت عاطفی با ۲۴ کد تکرار شونده

برای تنها نبودن، هم زبان داشتن و سرگرم بودن در دوران سالمندی است. خانمی ۳۰ ساله که ۵ سال از ازدواج آن‌ها می‌گذرد و به‌تازگی نیاز عاطفی زیادی به فرزندآوری دارد، می‌گوید:

”هیچ توقعی ندارم ازش. ولی چرا دوس دارم. دوس دارم دور و برم شلوغ باشه. یه جووری دوس دارم اون عشقه به‌هم برگرده امیدوارم اینطوری بشه که دوره همی‌هایی که در زمانی که به پیری می‌رسیم خانواده داشته باشیم، بچه‌ها برن بیان. نوه داشته باشیم. شاید گوشه‌ی ذهنم این‌ها هم باشه از بچه‌دار شدن.”

با اینکه پاسخگو از نظر وضعیت اقتصادی در شرایط بسیار خوبی است. نمی‌خواهد در زمان سالمندی تنها باشد و حمایت عاطفی فرزندش را در دوران سالمندی مهم می‌داند.

۴,۳ دور اندیشی برای سالمندی سالم و فعال

به نظر می‌رسد عاقبت اندیشی و برنامه‌ریزی برای سالمندی شاد و سالم، انتظار حمایت فرزندان را در دوران سالمندی کاهش می‌دهد. تعدادی از پاسخگویان معتقد بودند که در سنین جوانی باید برای سالمندی خود در زمینه‌ی اقتصادی، سلامتی و روحی برنامه‌ریزی داشته باشیم. به اصطلاح اگر جوانی سالمی داشته باشند، می‌توانند سالمندی سالمی را هم تجربه کنند و از این طریق نیازی به فرزندان خود در دوران سالمندی نخواهند داشت. این نظر بیشتر توسط زنان با شخصیت مستقل و محکم و شاغل بیان می‌شد. خانم ۲۶ ساله‌ای که از همسرشان استقلال مالی دارد، می‌گوید:

”آدم خونه داره. زندگی داره. تهش یه پرستار می‌گیری کمکت کنه. تو سالمندی هم همین اتفاق میفته. سر خونه زندگی خودتی فوقش اینه یه پرستار می‌گیری و اون کمکت می‌کنه. نیاز به بچه نیست خیلی.”

مضمونی که از این سوال تحقیق حاصل شد، بازاندیشی در مورد دریافت حمایت از فرزندان در دوران سالمندی است. تکرار بیشترکدهای عدم انتظار حمایت نشان می‌دهد نگاه جبرانی، حمایتی، عصای دست بودن، بازوی پدر بودن و... به‌نوعی دست‌خوش تغییر شده است. چشم‌انتظاری از فرزندان کم‌تر شده است و یا جای خود را فقط به انتظار دریافت حمایت عاطفی و روانی از سوی فرزندان داده است. از سویی خود افراد هم برای دوران سالمندی تلاش کرده و

برنامه‌ریزی می‌کنند و نگاه جبرانی نسبت به انتظار حمایت فرزندان در برابر زحمات خود، مورد بازنگری قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق به واکاوی معنای فرزند از نگاه زنان بی‌فرزند ارادی که حداقل ۵ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، پرداخته است. این کنکاش با توجه به معانی درک‌شده فرزند و کارکردهای فرزند در زندگی به‌خصوص نقش فرزند در تحکیم بنیان خانواده و همچنین حمایت سالمندی صورت گرفته است. نتایج این مطالعه کیفی نشان از یک تمایل ذاتی و غریزی در قریب به اتفاق زنان نسبت به فرزند دارد به طوری‌که زنان فرزند را با مفهوم مادری و غریزه مادری در هم آمیخته و پاسخ می‌دادند. از نگاه زنان، معنای فرزند ثابت نبوده و با گذر زمان دستخوش تغییر می‌شود؛ چه در طول دوره زندگی هر زن و چه در نسل‌های مختلف زنان. با تغییر شرایط اجتماعی در گذر زمان، حضور اجتماعی روزافزون زنان، افزایش اهمیت کیفیت زندگی و افزایش انتظارات اقتصادی و معیشتی و تغییر ویژگی‌های ذاتی فرزندان عصر کنونی در مقایسه با نسل‌های گذشته، معنای فرزند در طول زمان متحول شده است. همچنین با گذر زمان در طول دوره‌ی زندگی هر فرد با بروز یکنواختی زندگی زناشویی، فرزندآوری برای زوجین معنای جدیدی می‌یابد و می‌تواند شادی‌آور، گرمی بخش کانون خانواده، معنا بخش به زندگی و عامل تقویت روابط زوجین باشد. این نتایج با نظریه ارزش فرزند فریدمن و تاثیر زمان بر فرزندآوری سازگار است که شور و علاقه سال‌های اولیه ازدواج یک منبع قوی اما اغلب کوتاه مدت است. چرا که پس از ازدواج، گذشت زمان نقش منفی بر رضایت زناشویی و همبستگی داشته و این عامل به نوبه خود تأثیر مثبتی بر تمایل به فرزندآوری دارد (فریدمن^۱، ۱۹۹۴: ۴۰۰ - ۳۸۷).

ارزش غریزی فرزند از دید زنان جوان در مطالعه دیگری نیز نشان داده شده است (هاشمی‌نیا، رجیبی و یاراحمدی، ۱۳۹۶). این باور در زنان مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر، که خود تجربه فرزندپروری نداشته، تفاسیر آنها تا حدود زیادی غریزی بوده و برساخت تعامل اجتماعی آن‌ها با محیط پیرامون می‌باشد. همچنین بعلت ارزش فرزند و کیفیت آن در همه ابعاد

تربیتی، آموزشی و سلامتی، والدین با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی اقتصادی، برای اطمینان بیشتر از کنترل اوضاع، سعی می‌کنند با محقق شدن برخی پیش شرطها به فرزندآوری اقدام نمایند. مفهوم کیفیت فرزند در نگاه نسل‌های حاضر در مطالعات پیشین نیز تاکید شده است (آقایاری هیر و همکاران، ۱۳۹۵، عبدالمهدی و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۵، خلیج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵). هرچند ارزش ذاتی فرزند در مطالعه حاضر، با نتایج مطالعه عبدالمهدی و قاضی طباطبایی (۱۳۹۶) در خصوص بازاندیشی در هویت والدینی سازگار نیست. براساس مطالعه ایشان، اهمیت مادری و پدری تحت تاثیر سایر نقش‌های اجتماعی، رنگ باخته است. این دوگانگی را می‌توان این طور تفسیر نمود که رغم اهمیت ذاتی فرزند، در واقع بعلت احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی در خانواده و جامعه است که نگرانی در مورد نقش پذیری مادری و پدری ایجاد شده است. به طوری که یافته‌های مطالعات دیگر نیز حاکی از تأثیر ناامنی اقتصادی بر رفتار و ایده‌آل باروری پایین زنان است (عبدالمهدی و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۶، عبدالمهدی و فرجادی، ۱۳۹۵، عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۴). در واقع رفتار کم‌فرزندی نوعی راهبرد برای رسیدن به تعادل و اطمینان است که زنان و مردان برای شرایط اجتماعی- اقتصادی کنونی اتخاذ می‌کنند (خلیج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵). این طور میتوان تفسیر کرد که ارزش ذاتی فرزند و نقش مادری و پدری کم نشده است، ولی اتفاقاً بعلت اهمیت کیفیت این نقشها در نگاه نسل جدید، در شرایط کنترل شده و برنامه‌ریزی شده محقق گردد.

ابهام، ترس و نگرانی در تعریف فرزند حاصل احساس چالش برانگیز بودن فرزندآوری، ابهام و سرگردانی در احساسات نسبت به فرزند بود که گویای افزایش عقلانیت و اعمال برنامه‌ریزی در رفتار باروری است. این نتایج با نظریه مدرنیزاسیون و بحث لذت فرزند برای والدین لیبنشتاین^۱ (۱۹۷۷) و همچنین هزینه مستقیم و غیرمستقیم فرزند برای والدین سازگاری دارد. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعه سوبتکا^۲ (۲۰۰۴) سازگاری دارد به طوری که خانواده‌ها پیش شرطهایی را برای والد شدن در نظر می‌گیرند مانند پایان تحصیلات، کار و تا اندازه‌ای انباشت منابع. هرچه تحقق این پیش شرطها شکننده‌تر باشد، تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند سخت‌تر می‌شود.

1 Leibenstein, H
2 Sobotka

اهمیت ثبات زندگی زناشویی قبل از فرزندآوری مضمون استخراج شده‌ی دیگری است که با نتایج مطالعه دیگر سازگار است که نشان داد که شرایط ساختاری زندگی خانوادگی و روابط میان اعضای خانواده، می‌تواند افراد را به داشتن فرزندان زیاد یا کم سوق دهد (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴). در تبیین این یافته، می‌توان استدلال نمود که با افزایش دانش جنسی زنان و مردان نسل حاضر و همچنین اطلاعات ایشان در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری طلاق و راهکارهای مختلف بهبود زندگی زناشویی غیر از فرزندآوری و روند افزایشی طلاق در جامعه، نوعی محافظه‌کاری در این باور در بین نسل‌های جدید به‌خصوص تحصیلکرده در حال رخداد است. به‌طوری‌که مطالعه‌ای اخیر در بین دختران دانشجو نشانگر شکل‌گیری نوعی باور در بین جوانان تحصیلکرده در خصوص اهمیت روابط جنسی رضایت‌بخش در تحکیم رابطه زناشویی است (خلج‌آبادی‌فراهانی و همکاران، ۲۰۱۸) که می‌تواند با فرزندآوری زود هنگام پس ازدواج در تناقض باشد. مطالعاتی نیز در سال‌های اخیر، اهمیت روابط جنسی رضایت‌بخش را در رضایت زناشویی نشان داده‌اند (رحمانی، مرقاتی‌خویی، الله‌قلی^۲، ۲۰۰۹، لیتزینگر و گوردن^۳، ۲۰۰۵). به‌خصوص اینکه در سال‌های اخیر، نارضایتی جنسی بعنوان عاملی مهم در عدم رضایت زناشویی و طلاق در ایران بوده است (فروتن، جدید میلانی، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد یکی از مهمترین کارکردهای ازدواج که همان پاسخگویی به نیازهای عاطفی و جنسی زنان و مردان است، در حال پررنگ شدن است به‌خصوص در سال‌های اول ازدواج، که با فرزندآوری تداخل دارد. توجه به زندگی جنسی در نسل‌های جدید، نیازمند مطالعه و بررسی در مطالعات مربوط به باروری و تاخیر در باروری است. در مطالعه حاضر زنان به‌طور تکرارشونده‌ای نوعی نگرانی از تاثیر فرزند بر روابط صمیمی و جنسی با همسر در سال‌های اولیه ازدواج را نشان دادند که نیاز است مد نظر قرار گیرد.

در واقع تغییر در باورهای سنتی در خصوص ازدواج و طلاق می‌تواند در باورهای افراد در مورد فرزند و نقش آن در ازدواج تغییراتی ایجاد کند... نظریه ارزش کودکان که فرزنددار شدن را از منابع کاهش عدم اطمینان می‌داند (فریدمن، ۱۹۹۴)، با نتایج این مطالعه

1 Khalajabadi-Farahani, F., Sven-Axel, Mansson, John, Cleland,

2 Rahmani, A., Merghati Khoei, E., & Alah Gholi,

3 Litzinger S, Gordon

ناسازگار بوده و به نظر می‌رسد در نسل‌های جدید، افراد ملاحظاتی متفاوتی برای تحکیم ازدواج غیر از فرزندآوری در نظر می‌گیرند که با رنگ باختن ملاحظات سنتی در این خصوص همراه است. اهمیت تحکیم و بازسازی روابط زناشویی قبل از فرزندآوری یکی از باورهای غالب در بین زنان شرکت‌کننده در تحقیق بود. این موضوع زمینه خوبی برای مطالعات آینده خواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به افزایش میزان طلاق‌ها در سال‌های اول ازدواج و مشکلات طلاق با داشتن فرزند، موجب شده است که زنان و مردان، قبل از اینکه به تداوم زندگی مشترک خود اطمینان پیدا نکرده‌اند، تصمیم به فرزندآوری نگیرند. این نتایج همسو با تحقیق دیگری است که نشان می‌دهد ترس در مورد پایداری ازدواج ناشی از افزایش میزان طلاق در جامعه منجر به فاصله‌گذاری بین ازدواج تا اولین تولد شده است (رازقی‌نصرآباد و سرایی، ۱۳۹۳).

همچنین دوراندیشی برای سالمندی سالم و فعال نشان‌دهنده این است که گزاره‌هایی مانند "عصای دست بودن فرزند در دوران سالمندی" مورد بازاندیشی نسل‌های جدید قرار گرفته است. به خصوص در زنان در مناطق شهری تهران با متوسط تحصیلات بالا راهبردهایی برای سالمندی سالم و فعال اتخاذ می‌کنند. انتظار دریافت حمایت معنوی از سوی فرزندان در دوران سالمندی، نیز مشابه نتایج تحقیق دیگری است که نشان داد زنان و مردان همزمان با تغییرات پیرامون خود، تغییراتی در انتظارات خود ایجاد می‌کنند تا بتوانند با شرایط جدید خود را سازگار کنند (نودل^۱، ۲۰۱۲). تاکید بر حمایت روحی و روانی در سالمندی با نتایج تحقیق دیگری که ارتباط مستقیمی بین حمایت اجتماعی درک شده و سلامت روان در سالمندان را نشان داد، سازگار است (تاجور^۲، ۲۰۱۷). کم رنگ شدن مفهوم سنتی، فرزند عصای پیری، در تحقیق دیگری نیز تأیید شده است (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۱). برعکس این نتایج با یافته‌های بولر^۳ (۲۰۰۸) که نشان می‌دهد تمایل زنان به باروری ناشی از امید و انتظاری است که یک بچه برای والدین خواهد آورد و مرتبط با توقعی است که فرزند به عنوان حامی دوران پیری فراهم می‌کند و با نتایج تحقیق دایر^۴ (۲۰۰۷) که

1 Knodel
2 Tajvar
3 Buhler
4 Dyer

به بررسی ارزش فرزندان در کشورهای آفریقایی پرداخته و نشان داد که یکی از دلایل داشتن فرزندان برای والدین، ایجاد امنیت اجتماعی برای والدین در دوران پیری هستند سازگار نیست. این تفاوت می‌تواند بعلت تفاوت‌های نمونه و سطح توسعه یافتگی در دو بستر مورد مطالعه باشد.

محدودیت این تحقیق، این است که این نتایج در خصوص معنای فرزند و بازاندیشی در کارکرد فرزند در زندگی ممکن است قابلیت تعمیم مفهومی در زنان با تحصیلات پایین‌تر و همچنین زنان ساکن مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی نداشته باشند. با توجه به اینکه زنان مشارکت کننده در تحقیق حاضر ساکن شهر تهران و اکثراً "تحصیل‌کرده بوده، معنای فرزند می‌تواند در زنانی که سواد کمتر داشته و یا از نظر سطح اقتصادی اجتماعی پایین‌تری قرار دارند، متفاوت باشد که مطالعات مقایسه‌ای می‌توانند آن را نشان دهند. بنابراین مطالعات بیشتر در مناطق مختلف کشور با باروری متفاوت در خصوص معنای فرزند و کارکردهای آن پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- آقایی هیر، توکل و فرخی نگارستان، مینا و لطیفی مجزه، سیده صدیقه (۱۳۹۵). "فرزندآوری به مثابه‌ی مخاطره (مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندی در شهر تبریز)". *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۷۳، صص: ۷-۳۳.
- حسینی، حاتم و پاک سرشت، سلیمان و رضایی، مهدی و مهرگانفر، مریم (۱۳۹۳). "تحلیل کیفی فرزندآوری زوج‌های عرب شهر اهواز". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۹، شماره ۱۷، صص: ۱۶۹-۱۴۱.
- حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمد امین و عبدالهی چندانق، حمید (۱۳۹۶). "نگاه بی‌فرزندان ارادی به فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت"، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۲۷-۵۴.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). "واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران". *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۸، شماره ۱، صص: ۲۹-۵۸.

- رازقی نصرآباد، حجیه‌بی‌بی و سرایی، حسن (۱۳۹۳). "تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره‌ی ارزش فرزند در استان سمنان". *زن در توسعه و سیاست*، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲. صص ۲۵۰-۲۲۹.
- رجبی، ماہرخ و هاشمی‌نیا، فاطمه (۱۳۹۲). "ارزش کودکان و رفتار باروری در شهر شیراز". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱۵. صص ۴۲-۲۳.
- رضوی‌زاده، ندا، غفاریان، الهه و اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴). "زمینه‌های کم فرزندطلبی و تاخیر در فرزندآوری (مطالعه‌ی موردی زنان مشهد)". *راهبرد فرهنگ*، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۳۱. صص ۹۸-۷۳.
- عباسی شوازی، محمد جلال و عسکری‌ندوشن، عباس (۱۳۸۴). "تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران؛ مطالعه موردی استان یزد". *نامه علوم اجتماعی*، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۳. صص: ۷۵-۳۵.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال و خانی، سعید (۱۳۹۴). "نامانی اقتصادی، ایده‌آل‌های ازدواج و باروری، مطالعه دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنندج". *فصلنامه مطالعات جمعیتی*. دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲. صص ۹۹-۶۳.
- عبدالهی، عادل و فرجادی، غلامعلی (۱۳۹۵). "عقلانیت اقتصادی و اجتماعی و کنش فرزندآوری در شهر تهران، نتایج یک مطالعه کیفی". *فصلنامه مطالعات جمعیتی*، دوره‌ی ۱، شماره ۲. صص: ۱۳۱-۱۰۱
- عبدالهی، عادل و قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۹۶). "آزمون مدل نظری - مفهومی هم‌افزایی عقلانیت اقتصادی و اجتماعی در کنش فرزندآوری پایین". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲۳. صص: ۱۱۷-۸۴.
- فروتن، سیدکاظم و جدید میلانی، مریم (۱۳۸۷). "بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده". *دانشور پزشکی*، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۷۸. صص: ۴۲-۳۷.
- کبودی، مرضیه، رمضانخانی، علی، منوچهری، هومان، حاجی‌زاده، ابراهیم و حقی، مرجان (۱۳۹۲). "الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری: یک مطالعه کیفی"، *پایش*، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۵. صص: ۵۱۵-۵۰۵.

- کریمی، مرتضی، عمانی سامانی، رضا وحسینی‌نیا، مریم (۱۳۹۵). "معنا، مفهوم و کارکرد فرزند در ایران". *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص: ۱۱۱-۱۴۷.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمودیان، حسین و پور رحیم، محمدرضا (۱۳۸۱). "ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری: مطالعه موردی شهرستان بهشهر". *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۱، صص: ۸۹-۱۰۳.
- محمودیان، حسین، محمدپور، احمد و رضایی، مهدی (۱۳۸۸). "زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان (مطالعه‌ی موردی شهر سقز)". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۴، شماره ۸، صص: ۱۲۲-۱۸۵.
- هاشمی‌نیا، فاطمه، رجبی، ماهرخ و یاراحمدی، علی (۱۳۹۶). "بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز)". *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۸، شماره ۳، صص: ۶۱-۷۸.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شاخص‌های سیمای سلامت در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، معاونت سلامت، دفتر سلامت خانواده و جمعیت، URL: http://behdasht.gov.ir/uploads/291_1041_simayei-salamat.pdf
- Abbasi-Shavazi, M.J. (2001). Below Replacement-level Fertility in Iran: Progress and Prospects, Paper prepared for the IUSSP Seminar on "international Perspectives on low fertility: Trends, Theories and Policies, Tokyo, Japan.
- Behboudi-Gandevani, S., S., Ziaei, F., Khalajabadi-Farahani, M., Jasper, M. (2015). "The Perspectives of Iranian Women on Delayed Childbearing: A Qualitative Study". *The Journal of Nursing Research*, 00(0): 1-9.
- Buhler, C. (2008). "On the Structural Value of children and its Implication on Intended Fertility in Bulgaria". *Demographic Research*, 18(20): 569-610
- Cassirer, E. (1951). *The Philosophy of the Enlightenment*. Princeton University Press
- Crotty, M (1998). *The Foundations of Social Research*. London: Sage.
- Daher, M, D. Carre, A. Jaramillo, H. Olivares, A. Dominic (2017). "Experience and Meaning in Qualitative Research: A Conceptual Review and a Methodological Device Proposal", *Forum: Qualitative Social Research*, 18(3): 4130-4154.
- Dyer, S. J. (2007). "The Value of Children in African Countries- Insight from Studies on Infertility". *Journal of Psychosomatic Obstetrics and Gynecology*, (28) 2: 69-77.
- Ellingsæter, A. L., A.M. Jensen and M. Lie (Eds). (2013). *The Social Meaning of Children and Fertility Change in Europe*. London: Routledge.

- Firestone, W.A. (1987). "Meaning in Method: the Rhetoric of Qualitative and Quantitative Research". *Educational Research*, 16(7): 16-21.
- Freedman, D. (1994). "A Theory of the Value of Children". *Demography*, 31(3): 94-375.
- Khalajabadi-Farahani, F., S.A. Mansson, J. Cleland (2018). "Engage In or Refrain From; A Qualitative Exploration of Premarital Sexual Relations among Female College Students in Tehran". *Journal of Sex Research*, 00(00), 1-14.
- Knodel, J. E. (2012). "The Future of Family Support for Thai Elderly: Views of the Populace". *PSC Research Report*. 12(10).
- LEIBENSTEIN H.(1977) "The economic Theory of Fertility", Mexico, IUSSP Conference, vol. 2, pp. 49-63.
- Litzinger S, K.C. Gordon (2005). "Exploring Relationships among Communication, Sexual Satisfaction and Marital Satisfaction". *Journal of Sex & Marital Therapy*, 31: 409-24.
- Marriam S.B. (2009) *Qualitative Research; A guide to Design and Implementation*. Jossy-Bass.
- Patton, M.Q. (2002). *Qualitative Research & Evaluation Methods*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Rahimi, A, E. Merghati & L. Alah gholi (2009). "Sexual Satisfaction and its Relation to Marital Happiness in Iranians". *Iranian Journal of Public Health*. 38(4)
- Seale, C. (1999). *The Quality of Qualitative Research*. UK, Sage Publications Inc.
- Sobotka, T. (2004). "Is Lowest-Low Fertility in Europe Explained by the Postponement of Childbearing? *Population and Development Review*. 30(2): 195-220.
- Tajvar, M., E. Grundy, & A. Fletcher (2016). "Social Support and Mental Health Status of Older People: a Population-Based Study in Iran-Tehran". *Aging & Mental Health* 22(3): 1-10.